

توسعه ساختار نظامی حاکمیت پهلوی: زمینه‌ها و تأثیرات آن بر سیاست خارجی ایران (۱۳۵۰-۱۳۵۷)

محمدجعفر چمنکار

توسعه ساختار نظامی از نمادهای مشخص دولت پهلوی در دهه ۱۹۷۰م / ۱۳۵۰ش می‌باشد. در این فرایند پیچیده، مجموعه عوامل متعدد داخلی و خارجی از قبیل دگرگونی در اوضاع امنیتی منطقه خلیج فارس پس از خروج نیروهای انگلیسی، تحولات نوین در سیاست خارجی ایالات متحده در اواخر دهه ۱۹۶۰م / ۱۳۴۰ش، علاقه‌مندی و اشتیاق شخصی حاکمان ایران، مبارزه با توسعه نفوذ شوروی و بلوک شرق و نیروهای مورد حمایت آنان در پیرامون مرزهای ایران و لزوم هوشیاری و خوداتکایی در برابر خطرات واقعی احتمالی، در تعامل و تأثیرپذیری تنگاتنگ نقش‌آفرین شدند. سرانجام، در چنین فضایی ارتش در سه شاخه اصلی نیروی زمینی، هوایی و دریایی به توسعه امکانات خود دست زد و در مدت زمان کوتاهی انواع جنگ‌افزارهای بسیار پیشرفته به خدمت گرفته شد. با توسعه اقتدار نظامی، میزان دخالت این بخش در سیاست برون‌مرزی دولت شاهنشاهی فزونی یافت و ایران با کمکهای سیاسی و نظامی در ضمن ارسال مستقیم نیروی انسانی و درگیریهای کوچک و بزرگ و با کمکهای تجهیزاتی به یاری گروه مشخصی از کشورها شتافت، امری که از دیدگاه سیاستمداران دولت شاهنشاهی سبب می‌شد ایران در تحولات بین‌المللی از خلیج فارس تا شاخ آفریقا نقش مؤثرتری داشته باشد.

پاره‌ای عوامل تأثیرگذار در توسعه نظامی دولت پهلوی

الف. خلأ قدرت در خلیج فارس و تحول نقش آفرینی ایران

در ژانویه ۱۹۶۸م هارولد ویلسن^۱ نخست‌وزیر انگلستان طی یک سخنرانی در

مجلس عوام این کشور، با اعلام فراخواندن هرچه سریع‌تر نیروهای نظامی خود از شرق دور و خلیج فارس تا سال ۱۹۷۱م، سیاست نوین بریتانیا در آسیا را تحت عنوان سیاست شرق سوئز^۲ بنیاد گذارد. خاستگاه این نظریه عقب‌نشینی نیروهای نظامی لندن از سرزمینهای شرق آبراه سوئز بود که از دیدگاه سیاست خارجی انگلستان شامل خلیج فارس و دریای عمان، جزیره مصیره در عمان، سنگاپور، جزایر مالدیو، مالزی، بروئی و هنگ‌کنگ بود.^۳

در استراتژی شرق سوئز بر چند مسئله اساسی تأکید شده بود:

۱. عدم پذیرش عملیات جنگی از سوی بریتانیا به جز با شرکت فعال همیمانان؛
 ۲. ارائه ندادن کمکهای مستقیم نظامی به دیگر کشورها مگر اینکه کشور مزبور آمادگی فعالیتهای متقابل لازم را با انگلستان داشته باشد؛
 ۳. عدم عملیات نظامی گسترده پیاده‌نظام بدون استفاده از نیروی هوایی سلطنتی.
- در سال ۱۹۷۰م سر آک داگلاس هوم^۴ وزیر امور خارجه دولت محافظه‌کار ادوارد هیث^۵ با تأکید بر اصرار دولت خود برای اجرای استراتژی فوق اظهار داشت که قراردادهای تحت‌الحمایگی شیوخ خلیج فارس با بریتانیا تا پایان سال جاری به پایان می‌رسد و این امر مستلزم خروج نیروهای انگلیس است.^۶
- اعلام خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس مخالفت‌های عمده‌ای را در جهان غرب در پی داشت. در سال ۱۹۶۹م. مرکز پژوهشهای سوق‌الجیشی بین‌الملل وابسته به دانشگاه جرج تاون^۷ متشکل از جان هوره ویتس^۸ استاد دانشگاه کلمبیا،^۹ والتر لاکر^{۱۰} مدیر انستیتیوی تاریخ امروز لندن، ویلیام لوث^{۱۱} نماینده ویژه دولت لندن در منطقه خلیج فارس و سرتیپ جان میلتن^{۱۲} رئیس اسبق گروه عملیات تهاجمی ارتش انگلستان گزارشی درباره پیامدهای منفی عقب‌نشینی از خلیج فارس و دریای عمان تهیه نمود. از این پژوهش چنین برمی‌آید که تصمیم دولت لندن در مورد خارج ساختن نیروهای خود تا پایان سال ۱۹۷۱م. اقدامی شتاب‌آمیز و ناسنجیده بوده و نتایج ناگواری در اشکال بی‌نظمی، اغتشاش، سردرگمی و هرج و مرج در منطقه برای منافع جهان غرب

2. East of Suez Policy.

۳. محمدجعفر چمنکار، «بحران ظفار»، فصلنامه روابط خارجی، س ۲، ش ۵ و ۶، زمستان ۷۹ و بهار ۸۰، ص ۲۱۴.

4. Sir Douglas Home

5. Edward Hyth

۶. آیندگان، «پایان دوره تحت‌الحمایگی در خلیج فارس»، ۱۱/۱۲/۱۳۲۹، ص ۱.

7. George Town

8. John Hourewitse

9. Columbia

10. Walter Locker

11. William Louth

12. John Milton



ملاقات محمدرضا پهلوی با هارولد ویلسون نخست‌وزیر انگلستان | ۶۸۷-۱۲۱پا

در پی خواهد داشت.^{۱۳}

جیمز اتیکنس^{۱۴} مدرس دانشگاه جرج تاون و یکی از نظریه‌پردازان سیاست خارجی آمریکا، با تأکید بر نقش انگلستان در حفظ منافع غرب، می‌گوید: «تقریباً به مدت یک قرن مجتمع وسیع دریای سرخ، خلیج فارس و اقیانوس هند منطقه امنی به خاطر حضور انگلستان بود.»^{۱۵}

مایک منسفیلد^{۱۶} رهبر اکثریت نمایندگان مجلس سنای آمریکا نیز نگرانی خود را چنین نشان می‌دهد: «ما از خروج نیروهای انگلیسی در خلیج فارس و شرق سوئز بسیار متأسفیم؛ زیرا ما برای استقرار در آنجا منابع و افراد لازم را در اختیار نداریم.»^{۱۷} خلاصه قدرت در خلیج فارس نگرانی عمیق دولتمردان آمریکا را در این مقطع در پی

۱۳. آلکسی واسیلیف. مشعلهای خلیج فارس. ترجمه سیروس ایزدی تهران. کتابهای جیبی، ۱۳۵۸. ص ۳۳.

14. James Etikence

۱۵. میتل کلیر. جنگ بی‌پایان، سیاست خارجی آمریکا در جهان سوم. سعید رجایی خراسانی و محمدعلی مختاری اردکانی. بی‌جا. حکمت ۱۳۵۸. ص ۲۲۸.

16. Mike Mansfield

17. David E.Long. *The Persian Gulf*. west view Press. Boulder. colorado. 1978. p. 70.

داشت، رخدادی که می‌توانست به جای آزاد شدن صحنه برای فعالیت بیشتر واشنگتن موجب رشد و گسترش جنبشهای آزادیبخش و نیروهای طرفدار شوروی در این منطقه استراتژیک گردد. مفهوم خلأ قدرت از دیدگاه جهان غرب به معنای آن بود که کشورهای ساحلی به علت فقر امکانات و ناپایداری سیاسی قادر به دفاع از خویش نیستند و برای ادامه حیات خود به محافظ و سرپرست و یک نیروی میانجی که بتواند در مواقع مناسب در امور داخلی آنان نفوذ نماید، احتیاج دارند.^{۱۸}

بنابراین، برای حفظ ثبات و استمرار منافع، همواره می‌بایست یکی از قدرتهای بزرگ جهان غرب در مناطق حیاتی جهان حضور داشته باشد، امری که با توجه به تحولات جهانی، به ویژه تلاش برای تنش‌زدایی میان شرق و غرب و پیامدهای سوء اقتصادی،^{۱۹} اجتماعی^{۲۰} و سیاسی^{۲۱} حاصل از نبرد ویتنام در آن مقطع امکان‌پذیر نبود.

هنری کیسینجر با اشاره به این تحولات می‌گوید:

در سال ۱۹۶۹م که من به کار رسیدم، اولاً اروپا و ژاپن کارایی و نیروی اقتصادی خود را بازیافته بود و وضع سیاسی آنها نیز مستحکم شده بود. [از شدت جنگ سرد کاسته شده بود و در تمام کشورهای فشارهای داخلی، خواهان پایان دادن به تنشهای بین‌المللی بودند و جنگ و ویتنام نیز همچون زخمی بر بدنه آمریکا بود. کشورهای کم‌رشد نیز جهان را از دید فلسفی می‌نگریستند.]^{۲۲}

پس از این دگرگونیها دولت شاهنشاهی ایران، به عنوان یکی از کشورهای قدرتمند ساحلی و از همپیمانان مهم آمریکا، با هدف پر نمودن خلأ قدرت در مرکز توجه قرار گرفت. ژوزف سیسکو معاون وزارت امور خارجه در امور خاورمیانه در برابر کنگره گفت: «آمریکا قصد ندارد برای دفاع از منافع غرب در خلیج فارس جانشین انگلستان شود؛ لکن تصمیم گرفته است به کشورهای منطقه برای دفاع از خود کمک کند.»^{۲۳}

هنری جکسن سناتور و رئیس کمیته انرژی سنای آمریکا نیز اظهار داشت:

من معتقدم که ایران و عربستان باید ابتکار رهبری خلیج فارس برای نیل به امنیت را به دست گیرند و کشورهای دیگر منطقه را دعوت به همکاری کنند و تنها در سایه

۱۸. ک. پ. میرزا، سیاستهای بین‌المللی در اقیانوس هند، ترجمه فاطمه قدیمی‌پور، تهران، دانشگاه تهران (مرکز مطالعات عالی بین‌المللی)، ۱۳۵۵، ص ۹.

۱۹. ابولولون، «تعادل اقتصادی آمریکا بر هم خورده است»، رستاخیز، ۱۳۵۴/۲/۹، ص ۵.

۲۰. آبدگان، «روز سیاه از جنگ برگشتگان»، ۱۲/۱۳۵۰، ص ۵.

۲۱. رستاخیز، «شکاف در شبکه جهانی پایگاههای آمریکا»، ۱۳۵۴/۱/۲۰، ص ۳.

۲۲. پی بر سالیانجر، «کیسینجر: چرا من در پست خود خواهم مانده»، رستاخیز، ۱۳۵۴/۲/۱۷، ص ۵.

۲۳. آبدگان، «آمریکا در دفاع خلیج فارس درگیر نمی‌شود»، ۱۳۵۱/۳/۱۸، ص ۱.

این همکاری است که می‌توان یک دوره طولانی تأمین انرژی سوختی امریکا و اروپا تضمین شود. آمریکا باید تنها در ارسال کمک‌های نظامی و اقتصادی دخیل باشد.^{۲۴}

دولت شاهنشاهی به سرعت و با اشتیاق فراوان سعی نمود با بهره‌برداری حداکثر از جریانات یاد شده که تقدیر و سرنوشت آن را در اختیار ایران گذارده بود، پس از سالیان سال حضور بیگانگان در منطقه، با توسعه سیاسی و نظامی به نقش‌آفرینی نوینی در حوزه خلیج فارس و تنگه هرمز بپردازد.

شاه، در مراسم پایان تحصیل دوره چهاردهم دانشکده ستاد نیروهای مسلح و دوره هفتم مدیریت و امنیت ملی دانشگاه پدافند ملی، گفت: «اهمیت ایران طوری است که ما، چه بخواهیم و چه نخواهیم، مسئولیتهای منطقه‌ای و حتی بین‌المللی کم‌کم به عهده ما محول خواهد شد و سرنوشت این را می‌خواهد که ایران در آینده نزدیک عظمتی به دست آورد که در گذشته‌های دور ما با آن آشنا بودیم».^{۲۵}

مجله نیوزویک، در شماره ۲۱ مه ۱۹۷۳، در مقاله‌ای با عنوان «غول گذرگاه کشتیها»، با اشاره به توسعه نظامی ایران در منطقه خلیج فارس، نوشت: «شاهنشاه ایران از مرکز فرماندهی خویش در کاخ نیاوران، واقع بر روی تپه‌های مشرف به تهران، دست به کار نگرهبانی و حراست خط حیاتی نفت جهان زده‌اند، نقشی که معظم‌له از انجام آن به طور آشکار احساس لذت می‌نمایند».^{۲۶}

مجموع این تحولات و وظایف، لزوم تشکیل یک ارتش توانمند و مسلح به جنگ‌افزارهای نوین را در سیاست نظامی ایران تقویت نمود. روزنامه آیندگان در این باره می‌نویسد: «نیروهای ایران با توجه به تزلزل اعراب با ایجاد مانورهایی در اطراف جزایر ایرانی بر منطقه تأثیر می‌گذارند. قرار است در سال آینده بخشی از نیروی هوایی ایران، با ۷۲ فروند هواپیما و ۱۵۶ فروند هلیکوپتر نظامی و حمل و نقل و یک ناوگان سنگین، از نفوذ دشمنان مصالح ایران در منطقه جلوگیری کند».^{۲۷}

مجله دفاع ملی فرانسه، در تلاش برای بررسی علل گسترش نیروی دریایی ایران، در فوریه ۱۹۷۶م طی مقاله‌ای نوشت: «ساختمان پایگاههای دریایی در بندرعباس و چابهار در حوالی مرز پاکستان و افزایش چشمگیر نیروی دریایی و هوایی نشانه‌ای از تلاش ایران در بر کردن خلأ قدرت پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس است».^{۲۸}

۲۴. آیندگان، «امریکا خواهان امنیت منطقه خلیج فارس است»، ۱۳۵۱/۸/۲۹، ص ۸.

۲۵. مجله ارتش شاهنشاهی، «شاهنشاه در مراسم دانشکده ستاد»، ش ۷، مهر ۱۳۵۴، ص ۵.

۲۶. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، ۱۳۵۰-۵۵۰، جبهه ۲۱، شماره ۵، قسمت ۵.

۲۷. آیندگان، «ایران از نفوذ نیروهای مخالف خود در خلیج فارس جلوگیری می‌کند»، ۱۳۵۰/۲/۱۶، صص ۱ و ۸.

۲۸. ج. شیخ‌الاسلامی، «آیا اقیانوس هند منطقه صلح باقی خواهد ماند؟»، مجله ارتش شاهنشاهی، ش ۲، فروردین

ب. تحول در سیاست نظامی و خارجی آمریکا؛ نظریه مشارکت اقلیمی

در سال ۱۹۶۸م ریچارد نیکسن^{۲۹} به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا برگزیده شد و به همراهی و با مشارکت هنری کیسینجر^{۳۰} مشاور امنیت ملی و وزیر امور خارجه خود، استراتژی نوین سیاست خارجی دولت واشنگتن را تحت عنوان «دکترین نیکسن» یا «نظریه جایگزینی» پایه‌ریزی نمود. بر اساس این نظریه دولت آمریکا هرگونه حمایت مادی و معنوی را از کشورهای دوست و همپیمان در جهان به عمل می‌آورد؛ اما با استفاده از تجارب تلخ کارزارهای خونین و نابودکننده کره و ویتنام از هرگونه اعزام مستقیم نیرو خودداری می‌شد و متحدان خود می‌بایستی عامل استفاده از کمکهای ارسالی و رفع بحرانهای منطقه‌ای باشند.^{۳۱}

مهم‌ترین مبانی فکری و اصول دکترین نیکسن بر پایه‌های زیر استوار بود:

۱. پایبندی آمریکا به کلیه قراردادهای پیشین با کشورهای دوست در بخشهای اقتصادی و به ویژه نظامی. نیکسن در گزارش سیاست خارجی خود به مجلس آمریکا در ۱۸ فوریه ۱۹۷۰ بر این اصل تأکید ورزید.^{۳۲} وزیر دفاع این کشور نیز در سخنانی برای کمیته بودجه مجلس نمایندگان تصریح نمود که «آسیائینها بدون کمک فنی توان مقاومت در برابر بحرانها را ندارند و ما باید سهم همکاری خود را پردازیم».^{۳۳}
۲. تأمین پوشش هسته‌ای برای متحدان آمریکا در صورتی که مورد حمله اتمی قرار گیرند.

۳. کمکهای نظامی بر پایه تعهدات قبلی برای مقابله با درگیریهای احتمالی به شرط آنکه کشور مزبور مسئولیت اصلی دفاع و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز را بپذیرد.^{۳۴} این بخش از مهم‌ترین اصول «نظریه جایگزینی»، که ساختار سیاست خارجی و نظامی آمریکا در اقصی نقاط جهان از جمله خلیج فارس را ترسیم می‌کرد، محسوب می‌شد.

رتال جامع علوم انسانی

→ ۱۳۵۵، ص ۸.

29. Richard Ni on

30. Henry Kissinger

۳۱. محمدجعفر چمنکار، «پهلوی دوم و عملیات در ظفار»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، س ۴، ش ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۶.

۳۲. جورج لنچافسکی، رؤسای جمهور آمریکا و خاورمیانه، از نومن تاریگان، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۳، ص ۱۷۳.

۳۳. میشل کلبر، جنگ بی‌پایان، سیاست خارجی آمریکا در جهان سوم، ترجمه سعید رجائی خراسانی و محمدعلی مختاری اردکانی، بی‌جا، حکمت، ۱۳۵۸، ص ۳۳۸.

۳۴. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۷۲ ۴ ۶۹۳۰۲ الف، گزارش امیراصلاح افشار از سفارت شاهنشاهی ایران در واشنگتن به اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه، به شماره و تاریخ



اسدالله علم و هنری کیسینجر وزیر امور خارجه آمریکا | ۲۴۲۷ | ۱۴۱۱

نیکسن در این باره می‌نویسد:

دکترین نیکسن به صراحت اعلام داشت که آمریکا به دولت‌هایی که با خطر روبه‌رو هستند کمک خواهد کرد و ابزار نظامی لازم را در اختیار آنان خواهد گذاشت، البته اگر ملل یاد شده خواهان پذیرش مسئولیت تدارک اولیه نیروی انسانی لازم برای دفاع از خودشان باشند. ما می‌توانیم با تأمین کمک‌های نظامی و اقتصادی به دوستانمان کاری کنیم که بتوانند از خوب‌ترین دفاع کنند بدون آنکه به فکر به دوش کشیدن بار جنگ برای آنها باشیم.^{۳۵}

کیسینجر نیز در گفت‌وگو با چند تن از دیپلمات‌های شوروی، ضمن تأکید بر این اصل، اظهار داشت: «اشتباهات گذشته در مورد مسئله ویتنام و اعزام نیم میلیون سرباز را دیگر تکرار نخواهیم کرد».^{۳۶}

تقویت نیروهای همپیمان آمریکا در نقاط مختلف جهان منافع بسیاری را در اشکال

۳۵. ریچارد نیکسن، جنگ واقعی، صلح واقعی، ترجمه علیرضا عاقری، تهران، کتابسرا، ۱۳۶۴، صص ۴-۲۲۳.
۳۶. آندره فونتن، یک بستر و دو رؤیای تاریخ تنش‌زدایی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۶، ص ۱۹۷.

کاهش مقاومت‌های محلی، تقلیل تنش با شوروی در طول جنگ سرد و به ویژه کاهش مخارج و هزینه‌های گزاف لشکرکشیهای مستقیم برای دولت واشنگتن در پی داشت. کلارک کلیفورد^{۳۷} وزیر دفاع آمریکا در نطق فوق‌العاده‌ای که در ۱۵ ژانویه ۱۹۶۹ برای نمایندگان کنگره ایراد نمود، با اشاره به این موضوع، گفت: «کمک آمریکا به کشورهای دیگر به جای استفاده مستقیم از سربازان خودی بسیار باصرفه‌تر است زیرا یک سرباز آسیایی $\frac{1}{15}$ همتای خود در آمریکا خرج دارد.»^{۳۸}

همزمان با این تحولات بین‌المللی، دولت پهلوی به عنوان گزینه برتر در منطقه استراتژیک خلیج فارس و دریای عمان به مجموعه‌ای از جدیدترین تولیدات نظامی دست یافت که، بدون تردید، همگام با دکترین جایگزینی نیکسن آمریکا مؤثرترین منبع برای تأمین این جنگ‌افزارها بود.

در ۳۰ و ۳۱ ماه مه ۱۹۷۲ م / ۹ و ۱۰ خرداد ۱۳۵۱ ش ریچارد نیکسن و هنری کیسینجر، پس از بازگشت از سفر به شرق اروپا، در تهران مذاکرات بسیار مهمی درباره آینده ارتش و خریدهای تسلیحاتی ایران با شاه انجام دادند. بر اساس نتایج این دیدار، ایران در خرید هر نوع سلاح نظامی، به غیر از تجهیزات هسته‌ای و کشتار جمعی، که در زرادخانه آمریکا یافت می‌شد، توانمند گردید.^{۳۹} همچنین هرگونه مشکل اداری، که سد راه توسعه همکاریهای نظامی با ایران می‌شد، می‌بایست در اسرع وقت برطرف گردد.^{۴۰}

در ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۱ ش هنری کیسینجر یادداشتی به وزارتخانه‌های دفاع و خارجه آمریکا ارسال کرد و در آن رئوس مطالب قرارداد فروش اسلحه را که طی دیدار نیکسن در ماه مه با شاه منعقد شده بود متذکر گردید. سپس در ۲۵ ژوئیه در یادداشتی فوق‌العاده به همان مقامات چنین عنوان نمود که: «ریاست جمهوری بار دیگر مقرر می‌دارد که طبق معمول در خریدهای نظامی اهمیت نخست به درخواست ایران داده شود و اگر دولت ایران تصمیم گرفت جنگ‌افزار خریداری کند فروش تجهیزات آمریکایی با در نظر گرفتن نزاکت و در موقع شناسی و در زمان مناسب و مقتضی تشویق گردد و راهنماییهای تکنیکی که در مورد آن جنگ‌افزار است به آنها داده شود.»^{۴۱}

این فرمانها ایران را به طور قابل ملاحظه‌ای از روند نظارت وزارت دفاع و خارجه

37. Clark Kliford

۳۸. کلیور همان منبع، ص ۳۳۶.

۳۹. آبنندگان، «تأیید لزوم تقویت توان دفاعی ایران»، ۱۸، ۳، ۱۳۵۱، صص ۱ و ۱۱.

۴۰. ایران فردا، «گذری بر مهم‌ترین رویدادها در مجالس ایران و آمریکا، تو در توی روابط ۱۳۷۷-۱۳۲۰»، ص ۶.

۴۱. ش ۲۲، اردیبهشت ۱۳۷۷، ص ۱۲.

۴۱. جیمز ایل، شیر و عقاب، روابط بدفروجام ایران و آمریکا، ترجمه فروزنده برلیان، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۱، ص ۲۷۶.

آمریکا در زمینه فروش اسلحه معاف کرده و جایی برای هیچ گونه اظهار نظر مؤثر مأموران سازمانهای مربوط نگذاشته بود!

در ۱۸ مه ۱۹۷۲ م / ۲۸ خرداد ۱۳۵۱ ش پنتاگون طی گزارش هشداردهنده‌ای به نیکسن، ضمن ابراز نگرانی از فروش گسترده تجهیزات، توصیه نمود که آمریکا خود را متعهد به فروش جنگنده‌های پیشرفته و بمبهای هدایت‌شونده لیزری به ایران نکند و پیش از این بر تعداد فراوان مستشاران نظامی نیفزاید.^{۴۲} کمیته روابط خارجی سنای آمریکا نیز در ژوئیه ۱۹۷۶ / تیرماه ۱۳۵۵ در یادداشتی به دولت واشنگتن اعلام کرد ایران قادر به جذب این مقدار اسلحه، که در سطح بالای استاندارد جهانی قرار دارد، نیست.^{۴۳}

در نتیجه این تحولات، که دولت شاهنشاهی از آن استقبال زیادی نمود، هزینه‌های نظامی ایران سیر صعودی پیمود. در سال ۱۳۴۹ ش ۸۸ میلیون دلار؛ سال ۱۳۵۰، ۱۰۶۵؛ ۱۳۵۱، ۱۳۷۵؛ ۱۳۵۲، ۱۵۲۵؛ ۱۳۵۳، ۲۰۶۸ و در سال ۱۳۵۴ به رقم خیره‌کننده ۶۳۲۵ میلیارد دلار رسید و درصد افزایش سالانه مخارج نظامی از ۱۷٪ در سال ۱۳۴۹ به ۴۱٪ در ۱۳۵۴ ش رسید.^{۴۴}

در سال ۱۹۷۶ م / ۱۳۵۵ ش هزینه‌های نظامی ایران - با احتساب جمعیت و سوابق جنگی - از چین، برزیل، اسرائیل و انگلستان به عنوان قدرتمندان جهانی بسیار بیشتر بود.^{۴۵} ارتش ایران با حمایت بیدریغ آمریکا و در راستای سیاستهای نوین خارجی و نظامی آن به تجهیزات بسیار پیشرفته‌ای مجهز گردید که دست یافتن به آن برای بسیاری از دولتهای همپیمان واشنگتن مشکل و حتی غیرممکن می‌نمود. در حقیقت، تسلیحات دریافتی ایران از نظر حجم، مقدار و تکنولوژی در میان تمامی کشورهای توسعه‌نیافته نظیر نداشت.^{۴۶} و به درستی، رابطه و دوستی با آمریکا به هیچ‌یک از کشورهای خارج از ناتو این امکان را نداده بود که مانند ایران در مدت زمانی کوتاه به یک قدرت عمده نظامی منطقه‌ای تبدیل شود.^{۴۷}

تأثیر دگرگون‌کننده از زاویه دیگری نیز به خوبی مشهود است. در تجهیز پرشتاب ایران به جنگ‌افزارهای فوق مدرن گاه محصولات خریداری می‌شد که هنوز در مراحل طراحی قرار داشت و به تولید انبوه نرسیده بود، چنانکه تانکهای چیفتن^{۴۸} ساخت

۴۲. همان، ص ۲۷۶. ۴۳. همان، ص ۲۷۸.

۴۴. چمنکار، بحران ظفار، همان، ص ۲۱۶.

۴۵. فرد هائیدی، ایران، دیکتاتوری و توسعه، محسن یلفانی و عنی طلوع، تهران، علم، ۱۳۵۸، ص ۸۳.

۴۶. ناچور، روسانی، دولت و حکومت در ایران، در دوره سلطه استعمار سرمایه‌داری، تهران، نشر شمع، سی تا

ص ۲۲۸. ۴۷. هائیدی، همان، ص ۸۳.

انگلستان که به نیروی زمینی ایران تحویل داده شد حتی از تعداد تانکهای کشور سازنده آن نیز بیشتر بود^{۴۹} و یا جنگنده‌های پیشرفته اف - ۱۸، که از سال ۱۳۵۴ش / ۱۹۷۵م به خدمت نیروی هوایی شاهنشاهی درآمد،^{۵۰} همزمان هر ماه ۵ یا ۶ فروند از آن نیز به نیروی هوایی و دریایی آمریکا داده می‌شد و این هواپیما هنوز به مرحله تولید گسترده، امتحان بازدهی و قابلیت کامل خود نرسیده بود.^{۵۱} در گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در ژوئیه ۱۹۷۶ / تیر ۱۳۵۵، با اشاره به این موضوع، آمده است: «جنگنده‌های اف - ۱۴ تامکت^{۵۲} ساخت کارخانه گرومن که به ایران تحویل شده است آنقدر از لحاظ الکترونیکی پیچیده است که حتی نیروی دریایی آمریکا با مشکل روبه‌رو است».^{۵۳}

امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و وزیر دربار دولت پهلوی، با اشاره به سرعت روند تسلیح و خریدهای نظامی ایران، می‌گوید: «من به شاه گفتم که چیزهایی که شما می‌خرید آنقدر در انبارها می‌ماند که می‌پوسد چون سفارش‌دهنده‌ها نمی‌دانند چه می‌خرند. شاه گفت می‌دانم؛ ولی چاره نداریم. سعی کنید درباره استفاده از آنها چیز یاد بگیرید».^{۵۴}

ایران تا دوره ریاست جمهوری نیکسن و دگرگونیهای عصر او نمی‌توانست هر سلاحی را که خود نیازمند بود و تعیین می‌کرد به دست آورد. جرج بال معاون اسبق وزارت امور خارجه آمریکا می‌گوید: «از سال ۱۹۵۳م / ۱۳۳۲ش، که شاه به قدرت بازگشت، تا سال ۱۹۷۲ / ۱۳۵۱، او را به طور کامل تحت نظارت داشتیم. این ما بودیم که می‌گفتیم شما به فلان سلاح احتیاج ندارید یا دارید».^{۵۵}

امّا در ژوئیه ۱۹۷۲م / ۱۳۵۱ش ریچارد نیکسن رسماً به وزارت دفاع و امور خارجه ابلاغ نمود که دولت ایران انواع سلاحهای مورد نیاز را خود تعیین خواهد کرد.^{۵۶} بدین ترتیب، با برطرف شدن عمده‌ترین موانع، جریان ارسال تجهیزات نظامی بسیار پیشرفته به ایران استمرار یافت و در مدت کوتاهی آن را به یکی از قوی‌ترین سازمانهای

48. Chieftain

۴۹. نیکی آر کدی، ریشه‌های انقلاب، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم، ص ۲۶۶.

۵۰. رستاخیز (روزنامه)، «تحویل نخستین جنگنده اف ۱۴ به ایران»، ۲۱/۱۰/۱۳۵۴، ص ۱.

۵۱. محمدحسین طباطبایی، روابط ایران و غرب، بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۵۶، ص ۲۸.

52. F-14 A Tomcats

۵۳. بیل، همان، ص ۲۷۸.

۵۴. اطلاعات (روزنامه)، «مشروح جریان محاکمه و متن مدافعات هویدا»، ۱۳۵۸/۱/۱۹، ص ۸.

۵۵. جمیله کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۷۴.

۵۶. لاری و باومن و یان کلازک، ایاتوس هند در سیاست جهانی، گروه مترجمان، تهران، قومس، ۱۳۶۹، ص ۱۲۹.

رزمی جهان تبدیل کرد.

دانیل برجین^{۵۷} تاریخنگار برجسته و پژوهشگر امور خاورمیانه با اشاره به این موضوع می‌نویسد: «نیکسن و کیسینجر سیاست چک سفید را در قبال شاه اتخاذ کردند و دست او را برای خرید سیستم‌های نظامی آمریکا، حتی پیچیده‌ترین تسلیحات به شرط آنکه هسته‌ای نباشند، بازگذاشتند که بخشی از استراتژی دوستون بود.»^{۵۸}

ماهنامه لوموند دیپلماتیک در شماره ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۷ نیز چنین نوشت: «حکومت نیکسن به تمایلات شاه برای تقویت نظامی و خرید سلاح‌های جنگی جواب بسیار مساعدی داد و در تمام دوران حکومت نیکسن فروش سلاح‌های پیشرفته و پیچیده به ایران رو به افزایش نهاد.»^{۵۹}

ج. نفت و توانمندی اقتصادی

با آغاز جنگ اکتبر ۱۹۷۳م اعراب و اسرائیل و قطع صادرات نفت کشورهای عرب به آمریکا و اروپای غربی، قیمت فراورده‌های نفتی به طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. در سالهای بین ژانویه ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴م با افزایش ۳۵۰٪ ارزش هر بشکه نفت از ۲۰۵۹ دلار به ۱۱۰۶۵ دلار رسید.^{۶۰} در کنفرانس اعضای اوپک در تهران که در اول ژانویه ۱۹۷۴م/ ۱۱ دی ۱۳۵۳ برگزار شد به پیشنهاد ایران بهای هر بشکه نفت در حداکثر قیمتی که در نیمه دسامبر ۱۹۷۳ قرارداد داشت، تعیین گشت. ایران در تحریم نفتی اعراب علیه غرب نیز شرکت نکرد. شاه در مصاحبه‌ای با تلویزیون آلمان در ۱۹ آذرماه ۱۳۵۲ با اشاره به این موضوع گفت: «ما، در تحریم نفتی شرکت نکردیم و نمی‌کنیم. تحریم سلاحی است که زود کند می‌شود و جهانیان سعی خواهند کرد که نفت کمتری مصرف کنند.»^{۶۱}

ایران در آغاز دسامبر ۱۹۷۳م و در اوج تکانه اول نفتی بیش از ۱۲ میلیون تن نفت موجود خود را به مزایده نهاد و آن را به بهای بشکه‌ای ۱۷ دلار به فروش رسانید در حالی که بهای اعلام شده کمتر از یک‌پنجم این قیمت بود^{۶۲} و تا پیش از دگرگونیهای اساسی در اوضاع بازار در اوایل دهه ۷۰ هیچ‌گاه از ۱/۲۵ دلار برای هر بشکه نفت

۵۷. لیون تی. هدر، باتلاق آمریکا در خاورمیانه، ترجمه رضا حائری، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۷۸.

۵۸. همان، ۵۹ «اعلام جرم علیه هویدا»، اطلاعات، ۱۷، ۱۳۵۸، ص ۴.

۶۰. حمدالله آصفی و دیگران سیاست انرژی کشورهای عربی و آمریکا در منطقه جنوبی خلیج فارس (مجموعه

مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس)، تهران، مرکز مطالعات خلیج فارس، ۱۳۶۹، ص ۲۱.

۶۱. غلامرضا کرباسچی، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ ج

۱، ص ۵۷۵. ۶۲. آصفی و دیگران، همان، صص ۳۹، ۳۰.

بیشتر نمی‌شد.^{۶۳}

در نتیجه این تحولات، درآمد ایران از فروش نفت از رقم ۱۷۴ میلیارد ریال (۲/۳ میلیارد دلار) در سال ۱۹۷۰م به ۱/۴۰۱/۷ میلیارد ریال (۲۰/۷ میلیارد دلار) در سال ۱۹۷۴ رسید.^{۶۴} درآمد سرانه نیز از ۲۵۹ دلار به ۲۰۰۰ دلار افزایش یافت.^{۶۵} با افزایش قیمت نفت و توسعه درآمدهای ایران تأمین هزینه‌های هنگفت خرید و نگهداری جنگ‌افزارهای مدرن و ارتقای سطح کمی و کیفی نیروهای انسانی ارتش امکان‌پذیر گشت.

ایران که از اواخر دهه ۱۳۴۰ ش. ۱۹۶۰م کمکهای مالی آمریکا را که به صورت بلاعوض صورت می‌گرفت نپذیرفته بود، امری که شاه آن را موجب افتخار می‌دانست، با انکاء به افزایش درآمدهای نفتی نقش نظامی خود را در منطقه خلیج فارس ایفا نمود، پس از خروج ارتش انگلستان از خلیج فارس و تأکید صریح لندن بر نپذیرفتن هزینه سنگین نگهداری و حفظ امنیت در این حوزه استراتژیک و درخواست آشکار از دولت شاهنشاهی برای پذیرفتن این مناجرج،^{۶۶} نفت و افزایش قیمت آن نمود بیشتری در توسعه ساختار نظامی ایران یافت. توانمندی اقتصادی ایران در نتیجه فروش نفت - که حتی عنوان رهبر جهان چهارم یا کشورهای ثروتمند صادر کننده نفت را برای آن به ارمغان آورد^{۶۷} - موجب شد که هزینه‌های نظامی از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۷ بیش از ۶۰۰ برابر افزایش یابد و واردات از آمریکا نیز ۱۰ برابر شود.^{۶۸} در سال ۱۹۷۳م در جهان بیش از ۱۵/۰۰۰ میلیون دلار اسلحه به فروش رسید که آمریکا با تجارت ۵/۰۰۰ میلیونی در رتبه اول قرار داشت.^{۶۹} به نوشته روزنامه اینترنشنال هراللد تریبون ایران بزرگ‌ترین مشتری در میان خریداران تسلیحات ایالات متحده بود.^{۷۰}

۶۳. ابراهیم رزاقی، «وابستگی به صنعت نفت و رهایی از آن»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، س ۱، ش ۸، اردیبهشت ۱۳۶۶، ص ۲۰.

64. Kamarin M. Dadkhah. "The In flantionary progress of the Iranian Economy, 1970-1980", International Journal of Middle East Studies, vol. 17, November 1985, p. 371.

۶۵. حبیب‌الله نیکنام، «نقش افزایش درآمد نفت در شکل تورم و شتاب نرخ آن در ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی (مجله)، س ۱، ش ۱۰، تیر ۱۳۶۶، ص ۳۶.

۶۶. مرتضی فکور، «اهمیت تحرک استراتژیکی»، مجله ارتش شاهنشاهی، ش ۲، فروردین ۱۳۵۵، ص ۲۹.

۶۷. مسائل جهان (مجله)، «ایران قدرت جهانی»، ش ۱، س ۲، اردیبهشت ۱۳۵۳، ص ۲۹.

۶۸. مارک جی. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه بنای دولتی دست نشانده در ایران، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۶، ص ۱۹۷.

۶۹. مسائل جهان، «تجارت اسلحه»، ش ۱، س ۲، اردیبهشت ۱۳۵۳، ص ۳۳.

۷۰. الکسی و اسلیف، مشعلهای خلیج فارس، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۸، ص ۴۰.

اردشیر زاهدی سفیر ایران در واشنگتن در ابتدای بهمن ماه ۱۳۵۵ با تأکید بر توسعه روابط نظامی ایران با آمریکا گفت: «حجم روابط تجاری ایران و آمریکا ظرف پنج سال آینده به بیش از ۵۰ میلیارد دلار خواهد رسید که سالانه کمتر از یک پنجم آن واردات نظامی می‌باشد».^{۷۱}

شاه با اشاره به توانمندی و اهمیت اقتصادی ایران برای جهان غرب می‌گوید: «اکنون ما ارباب هستیم و اربابان سابق بردگان ما هستند. آنها هر روز در خانه ما را می‌زنند و خواهان مساعدت می‌شوند. چگونه می‌توان به آنها کمک کرد؟ آیا اسلحه می‌خواهیم، نیروگاه اتمی می‌خواهیم؟ ما فقط کافی است تقاضا کنیم تا آنها با عجله آرزوهای ما را برآورده سازند».^{۷۲}

روزنامه‌رستاخیز نیز در تفسیری با عنوان «ابعاد جدید سیاسی بین‌المللی ایران» به قلم محمود طلوعی در این باره نوشت: «قدرت مالی ایران باعث توازن قدرت، نیرومندی ایران، کمک به جهان سوم و داخل شدن به محدوده ده قدرت برتر جهان حتی پرتوان‌تر از انگلستان می‌گردد».^{۷۳}

د. مبارزه با توسعه نفوذ شوروی و کشورهای رادیکال عرب در منطقه

اهتمام دولتمردان شوروی در توسعه نفوذ خود در خلیج فارس، ناصریسم و ظهور جنبشهای چپگرا از مشخصه‌های سیاسی و نظامی خاورمیانه مابین دهه‌های ۵۰ تا اواخر ۷۰ میلادی می‌باشد. حکومت شاهنشاهی ایران در رویارویی سخت با این جریانات محدود کننده، که همواره با تشهای گاه‌وبیگاه و سوءظن و ترس متقابل شدت می‌یافت، قرارداد داشت.

هنوز بیش از دو ماه از طرح مسئله خروج سربازان انگلیسی از خلیج فارس سپری نشده بود که عناصری از نیروی دریایی شوروی فعالیت و تردد خود را در اقیانوس هند شروع کردند.^{۷۴} در حالی که تا این زمان فعالیتهای مسکو تنها به یک رشته برنامه‌های تحقیقاتی اقیانوس شناسی محدود می‌شد.^{۷۵} شوروی از بهار سال ۱۹۶۹م به بعد حضور

۷۱. رستاخیز، «مصاحبه اردشیر زاهدی»، ۱۳۵۵/۱۱/۱۶، ص ۴.

۷۲. محمد حسنین هیکل. ایران روایتی که ناگفته ماند. ترجمه حمید احمدی. تهران، انهام، ۱۳۶۲. ص ۱۷۶.

۷۳. رستاخیز (روزنامه)، ۱۳۵۴، ۲، ۲۲، ص ۷.

۷۴. ناصر فرید، «قدرتهای دریایی آمریکا و شوروی در اقیانوس هند»، مجله ارتش شاهنشاهی، ش ۴، تیر ۱۳۵۴، ص ۱۰.

۷۵. پیروز محتهدزاده، «الفتهای تازه در خلیج فارس و اقیانوس هند»، مسائل جهان، ش ۴، ص ۴، دی ۱۳۵۵، ص ۳۰.

یک ناوگان نظامی خود را در اقیانوس هند دائمی نمود و نظارت خود را بر آبهای پیرامون آن، دریای عمان و خلیج فارس افزایش داد.^{۷۶} گسترش عملکرد شوروی دولت ایران را به شدت دچار ترس و بدبینی نمود. از دیدگاه تهران، توسعه فعالیت‌های مسکو پیامدهای منفی متعددی چون جایگزینی انگلستان در خلیج فارس و اعمال نفوذ در شبه جزیره عربستان، توانمندی بیشتر برای صدور ایدئولوژی کمونیستی و تسلیحات به حکومت‌های همپیمان و یا عوامل و عناصر شورشی به منظور تأمین مقاصد براندازی و یا تضعیف قدرتهای منطقه را در پی داشت.^{۷۷}

دولت شاهنشاهی با وجود آگاهی کامل از میزان تفاوت در توان مقابله نظامی با شوروی، سعی نمود با ارتقاء سطح کمی و کیفی ارتش خود، به ویژه نیروی دریایی، در یک رویارویی بازدارنده از منافع خود دفاع نماید.^{۷۸} عملیات دفاع تأخیری در حدود کوه‌های زاگرس در صورت حمله واقعی ارتش شوروی به عنوان جزئی از استراتژی دفاع پیرامونی پس از کودتای ۱۳۳۲ش / ۱۹۵۳م در دستور کار دولت پهلوی قرار گرفت.^{۷۹} به گفته شاه: «ایران در این بخش از جهان تنها کشوری بود که می‌توانست چنان قدرت بازدارنده‌ای را تجهیز کند».^{۸۰}

شاه در گفت‌وگویی در ابتدای دهه هفتاد میلادی، با اشاره به این سیاست دفاعی، می‌گوید: «هدف ما این است که در منطقه خود آزاد و قوی باشیم. ضعیف نباشیم تا اعراب خوشحال گردند. من در منطقه‌ای زندگی می‌کنم که مرکز ثقل جهان است. اگر مورد حمله نیروی برابر قرار بگیریم، بتوانیم از خود دفاع کنیم و اگر نیرومندتر باشد دفاع ما زمان کافی را برای رسیدن دوستانمان ایجاد کند».^{۸۱}

بدین ترتیب، با وجود افزایش روابط با شوروی و اقرار شاه به اینکه این دولت غول وحشتناکی نیست که منتظر فرصتی برای بلیعدن ایران باشد،^{۸۲} سیاست‌های دوگانه مسکو در خاورمیانه موجب شد که حاکمان ایران همواره هوشیار بمانند، وضعیتی که تا زمان سقوط شاه کمابیش ادامه یافت.^{۸۳} ایران از اواسط دهه ۵۰ میلادی در چالشی شدید با کشورهای قرار گرفت که مورد

۷۶. استاد لانه جاسوسی، «شوروی شرق نجاوگر»، ج ۲۷، بخش ۱، دانشجویان بیروخط امام، ص ۱۱۳.

۷۷. عباس امیری، «تقویت نیروی دفاعی ایران ضامن ثبات سیاسی منطقه است»، مسائل جهان، ش ۸، ص ۴، آذر ۱۳۵۵، ص ۲۰.

۷۸. همان.

۷۹. مارک ج گازیوروسکی، «روابط امنیتی ایران و ایالات متحده»، ترجمه احمد شهسا، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، س ۷، ش ۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، ص ۴۰.

۸۰. محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان تهران، ناشر مترجم کتاب، بی‌تا، ص ۲۷۰.

۸۱. طباطبائی، همان، ص ۲۳. ۸۲. طباطبائی، همان، ص ۲۳.

۸۳. گراهام فولر، قله عالم، ژنو پولیتیک ایران، ترجمه عباس مخیر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳، ص ۱۸۷.



اردشیر زاهدی سفیر ایران در واشنگتن | ۵۲۵۶-۴ع

حمایت نظامی مستقیم شوروی بودند. دولت پهلوی در برابر عملکرد و تبلیغات جمال عبدالناصر، که شاه را نسبت به آرمانهای اعراب خیانتکار می‌دانست و سعی در گسترش فعالیت‌های خود در منطقه خلیج فارس داشت، جبهه‌گیری کرد. شاه در مصاحبه‌ای با روزنامه واشنگتن پست در ۷ تیرماه ۱۳۴۵ ش / ۲۸ ژوئن ۱۹۶۶ م گفت: «ایران در خلیج فارس باید آماده دفاع باشد چرا که جمال عبدالناصر می‌خواهد پس از تخلیه انگلستان از عدن نیروهای خود را به طرف شبه جزیره عربستان و شیخ‌نشینهای خلیج فارس بکشد»^{۸۴} همچنین در گفت‌وگویی با خبرگزاری آلمان در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۶ ش / ۱۱ آوریل ۱۹۶۷ م تأکید کرد که «ایران حضور ناصر را در خلیج فارس تحمل

۸۴. کرباسچی. همان، ص ۲۶۷.

نمی‌کند.^{۸۵}

رادیو لندن نیز، طی تفسیری از قول روزنامه گاردین،^{۸۶} اعلام کرد: «نیروهای ایران به سواحل خلیج فارس منتقل می‌شوند؛ تهدیدی که از جانب ناصر متوجه جنوب ایران است بیش از تهدیدی است که در شمال احتمال آن می‌رود. در نتیجه، ایران نیروهای خود را در جنوب مستقر می‌کند.»^{۸۷}

دولت عربی لیبی نیز، به عنوان کشوری مرتبط با شوروی، منافع ایران را در منطقه به چالش می‌خواند. لیبی در چارچوب یک نظام تبلیغاتی سیاستهای نظامی دولت شاهنشاهی را به شدت مورد حمله قرار داد.^{۸۸} سرهنگ قذافی می‌خواست نقشه سیاسی منطقه خلیج فارس، که با تصرف زنجیره‌ای امارات، قطر و عربستان عملی می‌شد،^{۸۹} تغییر یابد. لیبی در اواخر ۱۳۵۳ش/۱۹۷۴م ایران را تهدید به لشکرکشی و نبرد با سربازان ایرانی در خلیج فارس کرد.^{۹۰} به گفته سرهنگ معمر قذافی، که در افتتاحیه دومین کنگره جوانان عرب در اواسط تیرماه ۱۳۵۴ش ایراد شد، آتش این سیاست تهاجمی می‌توانست تمامی شبه جزیره عربی را نابود کند.^{۹۱}

جمهوری دموکراتیک یمن جنوبی از ابتدای استقلال در ۲۷ نوامبر ۱۹۶۷م به عنوان یکی از مهمترین پایگاههای جنبشهای ضددولتی در منطقه خلیج فارس به فعالیت پرداخت.^{۹۲} یمن جنوبی، با مالکیت تنگه باب‌المندب و نظارت بر راهنمای دریایی اقیانوس هند و دریای سرخ، از مناطق استراتژیک در خاورمیانه به شمار می‌رفت. دولت عدن به تدریج به مرکزی برای تجمع عناصر متمایل به بلوک شرق و شوروی تبدیل شد. در مه ۱۹۷۰م بیش از ۱۵۰۰ سرباز روسی همراه با یک گردان توپخانه در یمن جنوبی مستقر بود. خلبانان روسی هدایت جنگنده‌های پیشرفته میگ ۲۳^{۹۳} این دولت را برعهده

۸۵ همان منبع، ص ۳۹۱.

86. Guardian

۸۷ کریسچی، همان، ص ۲۸۱.

۸۸ آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، ۱۳۵۰-۵۵، جعبه ۲۱، پرونده ۵، بخش ۵، «از سفارت ایران در بیروت به وزارت امور خارجه»، ۱۳۵۴.۴/۱۲.

۸۹ آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، ۱۳۵۰-۵۵، جعبه ۱۹، پرونده ۳۱۲.

۹۰ کیهان (روزنامه)، «لیبی می‌خواهد که با سربازان ایرانی بجنگد»، ۱۳۵۴/۱/۱۶، ص ۲.

۹۱ رستاخیز (روزنامه)، «قذافی تهدید کرد، لیبی با نیروهای ایران در طغار وارد جنگ می‌شود»، ۱۳۵۴.۴/۱۵، ص ۲.

92. David Ledger. *Shifting Sands: the British in South Arabia*, Pencil Publishing, 1989. pp.

219-220.

93. Mig 23.



جمال عبدالناصر رئيس جمهور مصر | ۱۹۵۲-۱۹۶۲

داشتند.^{۹۲}

علاوه بر نظامیان شوروی، بیش از ۱۰۰۰ نفر مستشار کوبایی تا سال ۱۳۵۴ش ۱۹۷۵م در یمن جنوبی فعالیت می‌کردند که، علاوه بر آموزش سیاسی و

۹۲. شروود کوردیبر، نیروهای واکنش سریع آمریکا، ترجمه گروه مترجمان، تهران، نومس، ۱۳۶۹، ص ۵۶

نظامی ارتش عدن، وظیفه پرواز و آموزش میگهای روسی ۱۷ و ۲۱ را نیز انجام می‌دادند.^{۹۵}

پس از شوروی و کوبا، دولت آلمان شرقی با اعزام ۲۳ مستشار نظامی^{۹۶} و چین با ارسال کمکهای اقتصادی و نظامی و سیاسی^{۹۷} در تحولات این کشور نقش آفرین بودند. همچنین یمن جنوبی ایستگاهی مشخص و امن برای تحرکات کشورهای تندرو عرب چون مصر، لیبی، سوریه و الجزایر به شمار می‌رفت. پاره‌ای از مخالفان دولت شاهنشاهی ایران نیز در این کشور به فعالیت می‌پرداختند.^{۹۸} شاه در مصاحبه‌ای با فرستاده ویژه نشریه عکاظ عربستان سعودی اقدامات نظامی ایران را در راستای جلوگیری از تبدیل خلیج فارس به یک انگولای دیگر دانست. ایران با درک خطر عمیق یمن جنوبی برای گسترش سیاست نظامی و اقتصادی خود در خلیج فارس و دریای عمان سعی نمود با افزایش نقش آفرینی امنیتی در جنوب تنگه هرمز، ضمن ایجاد سدی در برابر تمایلات عدن، این دولت را در منطقه منزوی نماید.

دولت بعثی عراق جدی‌ترین خطری بود که حکومت شاهنشاهی ایران را در تصمیم‌گیریهای خود برای توسعه ساختار نظامی مصمم می‌ساخت. کودتای افسران آزاد به رهبری ژنرال عبدالکریم قاسم و سرهنگ عبدالسلام عارف در تیر ۱۳۳۷ش/ژوئیه ۱۹۵۸ و قتل عام خاندان سلطنتی عراق، ادعاهای ارضی نسبت به کویت، ارون‌درود و خوزستان، کودتای حزب بعث در ۱۹۶۸م، مسئله کردها، اخراج شیعیان از عتبات عالیات، همکاری با برخی از عناصر مخالف رژیم شاه، مخالفت مستمر بغداد با سیاستهای نظامی ایران در خلیج فارس - از قبیل استرداد جزایر سه‌گانه ایرانی و جنگ ظفار - درگیریهای پراکنده مرزی، ارتباط تنگاتنگ با دول تندرو عرب و خریدهای گزاف تسلیحاتی از مهم‌ترین مواردی بودند که تهران را در استحکام دفاعی جبهه‌های غربی و جنوب غربی استوار نگه می‌داشت.

عراق در بین سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۴م، به لحاظ واردات سلاحهای ساخت شوروی، در میان کشورهای جهان سوم مقام سوم را داشت چنانکه تا پیش از سال ۱۹۷۳م نزدیک

۹۵. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، ۵۵-۱۲۵۰، جعه ۲۱، پرونده ۲، بخش ۹. از عباسعلی خلعتبری وزیر امور خارجه به امیرعباس هویدا نخست‌وزیر، نصرت‌الله معینان رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی، ارشد غلامرضا ازهاری رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران، ارتشید نعمت‌الله نصیری معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت، به شماره ۵۹۲۲ و تاریخ ۱۳۵۱/۱۲/۲۶.

۹۶. کوردبیر، همان منبع، ص ۵۷.

۹۷. محمدجواد امیدوارنیا، چین و خاورمیانه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹، ص ۳۱۹.

۹۸. پیغام امروز، «کوبا یک انگولای جدید در خلیج فارس تدارک می‌بیند»، ۱۳۵۵/۱۲/۱۴، ص ۱۰.



عبدالسلام عارف رئیس جمهور عراق | ۱۳۳۷-۱۳۴۲ع

به دو میلیارد دلار تجهیزات نظامی خریداری نمود. مسکو تا سال ۱۹۷۱م ۵۰ فروند جنگنده میگ ۲۱، ۵۰ تا ۶۰ فروند هواپیمای پیشرفته سوخوی ۷، ۹۹ تا ۱۰۰ تا ۱۵۰ دستگاه. انواع تانک که بعدها به ۶۰۰ دستگاه افزایش یافت و بیش از ۳۰۰ خودرویی نظامی و انواع توپ و موشک را در اختیار دولت بغداد گذارد.^{۹۹}

در سال ۱۹۷۲م پیمان دوستی شوروی و عراق به امضاء رسید و در پی آن همکاری نظامی میان دو کشور گسترش یافت. این افزایش همکاری نظامی میان دو کشور بر طبق ماده ۹ قرارداد دوستی میان آن دو صورت گرفت که تصریح می‌نمود دو طرف قرارداد به

99. Su 7.

۱۰۰. لاری و ناومن و یان کلارک اقیانوس هند در سیاست جهانی، زیر نظر همایون الهی، تهران، قومس، ۱۳۶۹
صص ۲۰۴-۵



عبدالکریم قاسم رئیس جمهور عراق | ۲۴۹۵-۲۴ع

گسترش همکاری در جهت تقویت دفاعی یکدیگر ادامه خواهند داد. در ماه سپتامبر ۱۹۷۲ و در پایان دیدار احمد حسن البکر رئیس جمهوری عراق از شوروی اعلامیه مشترک دو کشور انتشار یافت. این اعلامیه حاکی از توافق در زمینه اقدامات ملموس به منظور تقویت بیشتر جنبه دفاعی عراق و افزایش آمادگی جنگی نیروهای مسلح آن بود.^{۱۰۱}

پس از این قرارداد، صادرات سلاحهای شوروی به عراق فزونی گرفت. از سال ۱۹۷۲م به بعد، دولت عراق یک اسکادران از بمب افکنهای بسیار پیشرفته تسویلف ۲۲،^{۱۰۲} جنگندههای میگ ۲۳، هواپیمای ترابری غولپیکر ۷۶-II،^{۱۰۳} انتونف ۱۲^{۱۰۴} و ناوهای جنگی کوچک و متوسط در اختیار ارتش خود گذاشت.^{۱۰۵} رزمناوهای شوروی نیز ضمن مأموریتهای دریائی خود در خلیج فارس از بندر ام‌القصر عراق بازدید نمودند.^{۱۰۶} همچنین عراق با گسترش روابط خود با کشورهای اروپائی، به

۱۰۱. همان، ص ۲۰۵.

102. Tu-22 Blinder

103. Scud S.S.M.S

104. IL-76T ایلوشین

۱۰۵. همان، ص ۲۰۶.

106. Bruce R Kunitz, *The Persian Gulf and United States Policy*. Regina Books, Claremont

ویژه فرانسه از سال ۱۹۷۴م، ۴۷ فروند هلی‌کوپتر الوئوت ۴۷ را خریداری کرد. به تدریج، جنگنده‌های میراژ نیز به ناوگان هوایی بغداد راه یافتند.^{۱۰۷}

بدین ترتیب، دولت بغداد تا سال ۱۹۷۴م ارتشی مجهز به ۱۳۹۰ دستگاه تانک، ۲۱۸ فروند هواپیما، ۱۰۱ فروند هلی‌کوپتر و انواع جنگ‌افزارهای نوین در اختیار داشت.^{۱۰۸} که چند کشور از بلوک شرق و جهان سرمایه‌داری در تشکیل و تسلیح آن همکاری کرده بودند.^{۱۰۹}

تسلّش دولت بغداد در رقابت نظامی و خریدهای کلان تجهیزات، حکومت شاهنشاهی را بشدت دچار بدبینی، ترس و هوشیاری کرد. امیراصلاح افشار سفیر ایران در واشنگتن، با اشاره به این موضوع، گفت: «سلاحهایی که ایران از آمریکا می‌خرد بیش از آنچه شوروی به عراق می‌دهد نیست»^{۱۱۰}

عباسعلی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران نیز در مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه واشنگتن پست در سال ۱۹۷۳م اظهار داشت: «ایران با بی‌میلی وارد مسابقه تسلیحاتی در خلیج فارس شده است و آن هم به علت سرعت یافتن و افزایش زیاد سلاح‌هایی است که شوروی به عراق تحویل می‌دهد».^{۱۱۱}

در گزارش کاملاً محرمانه از وزارت امور خارجه ایران در این باره آمده است:

در اختلافات ایران و عراق، که منجر به قطع مناسبات سیاسی دو کشور و اقدامات خصمانه دولت عراق علیه ایران گردید، دولت شوروی، به علت نفوذ در حزب بعث عراق و زمینه مساعدی که برای توسعه نفوذ خود در آن کشور دارد، تلویحاً حمایت از عراق را در پیش گرفت و عملاً کوششهای دولت ایران برای منصرف ساختن دولت شوروی از تعقیب این رویه به نتیجه نرسید و تقویت روزافزون نیروهای مسلح عراق، خصوصاً بعد از انعقاد قرارداد دوستی بین شوروی و عراق، موجبات نگرانی بیشتر دولت شاهنشاهی را فراهم آورد. سکوت شوروی در قبال اعمال خرابکارانه بعثی عراق بیش از پیش نگرانی به حق دولت ایران را تقویت نمود. تغییر وضع سیاسی منطقه موجب شد که دولت ایران برای تقویت قدرت دفاعی خود و

→ California, 1984, P24.

۱۰۷. لازری و باومن و یان کلارک. همان، ص ۲۰۹.

۱۰۸. امیل نخله. روابط آمریکا و اعراب در خلیج فارس. ترجمه کارو. تهران، سروش، ۱۳۵۹. صص ۴۶-۶۰.

۱۰۹. صنایع هوایی، «جنگ‌افزارهای طرفین درگیر در جنگ خلیج فارس»، س ۱۲، ش ۱۴۲، فروردین ۱۳۸۲، ص ۴۵ برای اطلاعات بیشتر درباره تبلیغات ساخت شوروی نگاه کنید به: مجله ارتش شاهنشاهی، «آشنایی با

برخی جنگ‌افزارهای ارتش شوروی»، ۳ خرداد، ۱۳۵۴، صص ۸-۶۷.

۱۱۰. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی، تهران، ناشر مؤلف، ۱۳۶۸، ص ۲۱۲. ۱۱۱ همان.

حفظ و حراست منطقه خلیج فارس دست به اقداماتی بزند و از جمله مبادرت به خرید و سفارش مقادیر معتدبهی اسلحه از آمریکا بنماید.^{۱۱۲}

نشریه اخبار آمریکا و مسائل جهان^{۱۱۳} نیز در شماره ۲۲ مارس ۱۹۷۶، با اشاره به تنشهای میان ایران و عراق و تأثیر آن در تقویت نظامی تهران، نوشت:

چیزی که در سرلوحه سیاست دولت قرار دارد این است که ایران به ارتشی مقتدر مجهز گردد، ارتشی که در آسیای غربی بی‌رقیب باشد. این امر تنها به خاطر حفظ و حراست ایران از همسایگان خود که همواره طی تاریخ نسبت به آن رشک برده‌اند نیست؛ بلکه به خاطر تضمین ثبات و آرامش منطقه نفت‌خیز خلیج فارس نیز هست. طی چهار سال گذشته، به منظور مدرنیزه کردن نیروهای مسلح ایران، مجموعه بزرگی از سلاحهای مدرن و تازه خریداری شده است. یکی از مشاورین نزدیک شاهنشاه می‌گوید: «ما باید در سایه پشتکار و کوشش در مقابل دشمنانی که از سلاحهای شوروی برخوردارند از خود دفاع کنیم. به همین جهت از بهترین سلاحها باید استفاده کنیم».^{۱۱۴}

۵. هراس از خیانت متحدان به هنگام وقوع یک نبرد واقعی، خود اکتایی دفاعی

ندادن کمک مؤثر آمریکا به پاکستان در خلال بحرانهای خونین سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱م با هندوستان که نهایتاً به شکست اسلام‌آباد، تجزیه بخشی از خاک آن کشور و تشکیل کشور بنگلادش منجر شد^{۱۱۵} و درگیریهای نظامی مرزی با عراق در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ ش از مهم‌ترین عوامل در تشدید این امر و مؤثر بر توسعه ساختار ارتش ایران بود.

دولت پاکستان در پیمانهای سیتو و ستو، که مورد حمایت و اشنگتن بود، عضویت فعالی داشت. در سال ۱۹۶۰م ایوب‌خان حاکم پاکستان با مسافرت به آمریکا و دیدار با کندی^{۱۱۶} تضمین هرگونه همکاری و پشتیبانی نظامی از حکومت خود را در تقابل با

۱۱۲. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره سند ۳۵۲۱/۱-۳۶۱-۳۲۲۲۳-۲۵۱۳-ش، گزارش اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی.

113. U.S. News And World Reports

۱۱۴. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۸۴۴/۱-۵۰۹-۱۴۵، اداره کل اطلاعات و مطبوعات دربار شاهنشاهی، بخش آرشیو.

۱۱۵. س.م. بورك و لارنس زیراینگ. تاریخ روابط خارجی پاکستان. ترجمه ایرج وفایی. تهران، کویبر، ۱۳۷۷. ص ۳۷۴

116. John F. Kennedy



امیراصلاح افشار سفیر ایران در آمریکا در حال تسلیم استوارنامه خود به ریچارد نیکسون | ۲۱۶۲-۱۱ع |
دهلی نو کسب نمود،^{۱۱۷} اما پس از درگیریهای میان هند و پاکستان در ۱۹۶۵م، آمریکا از اعطای کمکهای مؤثر به پاکستان ظفره رفت و پیمانهای نظامی سیتو و ستورا تنها جهت سرکوب جریانهای کمونیستی معتبر دانست.^{۱۱۸}
در سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۶۹م لیندن جانسن و ریچارد نیکسن رؤسای جمهور آمریکا از اسلام‌آباد دیدار نمودند و مقامات را امیدوار به حمایت سیاسی و نظامی در برابر هندوستان کردند؛^{۱۱۹} اما در کمال شگفتی و ناباوری پاکستان را در نبردهای ۲۲ نوامبر ۱۹۷۱ تا ۳ دسامبر ۱۹۷۱م با هند تنها گذاشتند و این کشور شکست سنگینی را متحمل

۱۱۷. محمدمنهدی آخوندزاده. تجزیه شبه قاره هند و استقلال بنگلادش. تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، بی‌تا، ص ۱۰۷.
۱۱۸. آخوندزاده. همان، ص ۱۰۸.
۱۱۹. زیبا فرزین نیا. پاکستان، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ص ۲۱۲.

شد.^{۱۲۰} در جبهه مقابل، دهلی‌نواز حمایت آشکار و کامل شوروی برخوردار بود. در سال ۱۹۷۱م سه شاخه نیروهای مسلح هند از تجهیزات ساخت شوروی بهره‌مند بودند که شامل مجموعه‌ای از تانکهای T-۵۴، T-۵۵ و PI-۷۶، اسکادرانهای میگ ۲۱ و سوخوی ۷، انواع زیردریاییها، ناوچه، قایق‌های گشتی و قایقهای اژدرافکن بود.^{۱۲۱} همچنین نیروی هوایی و زمینی هند از موشکهای پیشرفته ضد هوایی سام^{۱۲۲} روسی در نبرد با جنگنده‌های پاکستان استفاده کردند.^{۱۲۳}

شاه در مصاحبه با خبرنگار ساندی‌تایمز^{۱۲۴} در ۱۲ آبان ۱۳۴۵ش/۲۴ اکتبر ۱۹۶۶م، با اشاره به این مسئله گفت: «حوادث پاکستان نشان داد که ایران نمی‌تواند به اتحاد خود با غرب اتکای کامل داشته باشد.»^{۱۲۵} و در گفت‌وگویی با نشریه لندن‌تایمز در ژوئن ۱۹۶۹ اظهار داشت:

اگر عراق فردا به ما حمله کند چه خواهد شد؟ آیا آمریکا و پیمان ستو برای پشتیبانی ما در برابر چنین حمله‌ای قدمی برخواهند داشت. در جنگ هند و پاکستان وقتی که پاکستان مجبور شد به برقراری آتش‌بس، در شرایطی که نیروهای هند در چند کیلومتری لاهور بودند تن در دهد، ستو چه کاری کرد؟ آیا آمریکا که با پاکستان پیمان نظامی و دفاعی دو جانبه داشت به یاری پاکستان شتافت؟ نه، پس ما نمی‌توانیم برای حفظ امنیت مرزهای خود در برابر خطراتی که ما را تهدید می‌کند به دیگران متکی باشیم و به همین دلیل است که من روی تقویت نیروهای نظامی خود پافشاری می‌کنم.^{۱۲۶}

فریدون هویدا در بررسی سیاست خارجی دولت پهلوی، با اشاره به این مسائل در یک دیدگاه انتقادی و البته اغراق‌آمیز، می‌نویسد:

شاه بیش از هر چیز دچار وحشت و دلهره از شوروی بود. در جریان نزدیکی هند و شوروی در سال ۱۹۷۰ نگران‌تر شد و پس از آنکه جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱ به تأسیس کشور بنگلادش انجامید، دیگر شکی برایش باقی نماند که همسایه شمالی در نظر دارد دست به یک تهاجم گسترده علیه ایران بزند. این مسئله، که در طول سال ۱۹۷۲ فکر و ذهن شاه را به خود مشغول داشته بود، به خوبی می‌تواند

۱۲۰. آخوندزاده، همان.

122. SAM

۱۲۳. آخوندزاده، همان، ص ۱۰۳.

124. Sunday Times

۱۲۵. کرباسچی، همان، ص ۲۶۷.

۱۲۶. باری روبین، جنگ فدرتها در ایران، ترجمه محمود مشرفی، تهران، آشتیانی، ۱۳۴۳، ص ۱۰۲.



آندره گرومیکو وزیر امور خارجه شوروی | ۲۳۵۹-۲۴



لیندن جانسون رئیس جمهور آمریکا | ۱۷۸۳-۴ع

فعالیت شدید او را برای خرید اسلحه و تبدیل ایران به یک قدرت نظامی توجیه کند... ۱۱۷

شاه در سخنان خود بارها از عدم امکان وقوع یک نبرد واقعی هسته‌ای میان بلوک شرق و غرب، گسترش جنگهای منطقه‌ای میان کشورهای جهان سوم، عدم اتکاء کامل به دوستان قدرتمند، لزوم غافلگیر نشدن و دستیابی به جنگ‌افزارهای نوین برای مقابله با تهدیدات یاد می‌کرد. او در جریان مسافرت به انگلستان در تیر ۱۳۵۱ش گفته بود:

ما می‌گوییم بهترین سلاحهای غیر اتمی را که موجود باشد خریداری می‌کنیم. ما، در این زمینه با دو حقیقت روبه‌رو هستیم:

۱. جنگ بین قدرتهای بزرگ غیرممکن است و این موضوع کاملاً صحت دارد؛ چون اگر واقعاً به جنگ و ستیزه بپردازند دنیا منهدم خواهد شد.
 ۲. این امر خود، این خطر را ممکن است به وجود آورد که کشورهای بزرگ، به وسیله برخی کشورهای کوچک‌تر ماجراجایی را در گوشه و کنار جهان برپا کنند و ضمن آن به سبب ناتوانی سازمان ملل متحد کشوری که آمادگی مقابله با چنین ماجراها را نداشته باشد با شکست روبه‌رو شود.
- به هر حال، ما نمی‌توانیم به خود اجازه غافلگیر شدن را بدهیم؛ زیرا ممکن است،

در روز ضرورت دوستی که بر او اتکاء می‌کردیم به کمک ما نشتابد. در چنین حالتی کشور ما نباید شکست بخورد. بدین سبب ما سرگرم خرید اسلحه، آن هم از بهترین نوع و از منابع مختلف، هستیم. مقدار زیادی تهیه کرده‌ایم و نازمانی که خلع سلاح عمومی صورت نگیرد، ادامه خواهد یافت.^{۱۲۸}

و. اشتیاق و علاقه‌مندی درونی در گردآوری جنگ‌افزارهای نظامی

علاقه شخصی و فراینده شاه در گردآوری و مالکیت جنگ‌افزارهای نوین، تحت تأثیر عوامل پیشین دیگر، روند توسعه ارتش ایران را تسریع می‌کرد. شاه در زمینه تکنولوژی نظامی دارای اطلاعات فراوانی بود و به این دانسته‌های خود افتخار می‌کرد. او خود را جوهره و محور ارتش ایران می‌دانست و با تأکید بر این مسئله گفته بود: «... به خاطر نمونه‌ای که تبلور آن پدرم بود و اینکه من خود یک سربازم».^{۱۲۹} میزان آگاهی شاه در بخش نیروی هوایی نمود بیشتری می‌یافت؛ زیرا وی سابقه پرواز و هدایت انواع هواپیماهای نظامی و غیرنظامی را داشت.^{۱۳۰} به نوشته ماروین زونیس شاه در سراسر زندگی به هر چیزی که به نیروی هوایی، هواپیما و پرواز مربوط می‌شد دلبستگی شدیدی نشان می‌داد.^{۱۳۱} به گفته سپهد امیرحسین ربیعی آخرین فرمانده نیروی هوایی شاهنشاهی، شاه در انعقاد قراردادهای تسلیحاتی هوایی و خرید هواپیما همواره نظارت کارشناسی داشت.^{۱۳۲}

شاه صراحتاً در سخنرانیها و مصاحبه‌های داخلی و بین‌المللی، اشتیاق وافر خود را در به دست آوردن سلاحهای پیشرفته عیان می‌ساخت و به آن مباحثات و فخر می‌ورزید. وی در گفت‌وگویی با خبرنگار اشپگل آلمان در سال ۱۳۵۳ش / ۱۹۷۴م این اشتیاق خود را به خوبی نشان می‌دهد:

خبرنگار می‌گوید: شما بزرگ‌ترین خریدار اسلحه آمریکا به شمار می‌آید و سالیانه در حدود ۴ میلیارد دلار به این امر اختصاص می‌دهید.

شاه - بله، مخصوصاً برای نیروی هوایی.

خبرنگار - شما ۸۰ فروند اف ۱۴ و ۵۰۰ فروند هلیکوپتر نیز به آمریکا سفارش

داده‌اید؟

شاه - فعلاً

۱۲۸. مجله ارتش شاهنشاهی، «مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه در لندن»، ش ۴، مرداد ۱۳۵۴، ص ۵.

۱۲۹. بیل، همان، ص ۲۶۸. ۱۳۰. ب. کیا، ارتش تاریکی، ص ۱۰۱.

۱۳۱. ماروین زونیس، شکست شاهانه، روانشناسی شخصیت شاه، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۰، ص ۱۵.

۱۳۲. اطلاعات (روزنامه)، «دفاعیات ربیعی در دادگاه انقلاب»، ۱۳۵۸/۱۰/۲۲، ص ۴.

خبرنگار - ۸۰۰ تانک چیفتن نیز سفارش داده‌اید؟
شاه - فعلاً! ۱۳۳

و یا در مصاحبه‌ای با آرنا دو بورشگر^{۱۳۴} سردبیر نیوزویک گفت:

ما اکنون ۸۰ فانتوم داریم که هر کدام ۲/۵ میلیون دلار ارزش دارد و ۱۰۰ هواپیمای دیگر دریافت می‌کنیم که بهای هر کدام ۵ میلیون دلار است و شمار آنها به تدریج به ۳۰۰ فروند می‌رسد. با داشتن ۵۰ هواپیمای تراپری ۱۳۰-C، ۵۰ فروند هواپیمای دیگر هر کدام به قیمت ۲/۵ تا ۵ میلیون دلار نیز سفارش داده‌ایم. ما ۷۰۰ فروند هلیکوپتر از جمله ۲۲۰ فروند از نوع تویدار آن را سفارش داده‌ایم که ارزش آنها ۵۰۰ میلیون دلار خواهد بود. ما ۸۰۰ دستگاه تانک چیفتن را از انگلستان خریداری می‌کنیم که برای ما ۴۸۰ میلیون دلار تمام خواهد شد و به برنامه مدرنیزه کردن ۴۰۰ تانک ام - ۴۷ و ۴۶۰ تانک ام - ۶۰ اقدام خواهیم کرد. این امر به ما کمک می‌کند که دارای یک نیروی زرهی با ۱۷۰۰ دستگاه ماشین جنگی باشیم. اندازه نیروی دریایی ما دو برابر خواهد شد و هم‌اکنون این نیرو دارای بزرگ‌ترین ناوگان هاورکرافت است. بندر چابهار به بزرگ‌ترین پایگاه دریایی و هوایی در اقیانوس هند تبدیل خواهد شد. ما همچنین بمبهای اسمارت^{۱۳۵} لیزری و تلویزیونی را دریافت کردیم. ما هرگونه سلاح غیراتمی که آمریکا در اختیار دارد را دریافت می‌کنیم.^{۱۳۶}

شاه به هنگام دیدار از واشنگتن و ملاقات با فورد^{۱۳۷} رئیس جمهور آمریکا در اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ش باز دیگر بر ادامه سیاست نظامی خود تأکید کرد: «ما، جز سلاحهای اتمی، هرچه را که نیاز داشته باشیم خواهیم خرید. ما دارای پیشرفته‌ترین نیروهای مسلح در جهان خواهیم شد؛ زیرا به آن نیاز داریم و این نیروها به هر سلاحی، جز اسلحه اتمی، مجهز خواهد شد.»^{۱۳۸} و یا در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه پدافند ملی، خطاب به آنان گفت: «ما اسلحه لازم غیر اتمی، آن هم از بهترین نوع آن را، به شما خواهیم داد.»^{۱۳۹}

شاه گهگاه در لابلای سخنان خود با اشاره به توانمندی ارتش ایران و عدم احتیاج به

۱۳۳. آبتدگان، «مصاحبه شاهنشاه با ایشیگل»، ۱۱، ۱۹، ۱۳۵۳، ص ۱۲.

134. Arnaud de Borchgrae

135. Smart

۱۳۶. آلکسی واسیلیف، مشعلهای خلیج فارس، ترجمه سرویس ایزدی، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۸، صص ۳-۱۴۲.

137. Ford

۱۳۸. رستاخیز (روزنامه)، «شاهنشاه، ما دارای پیشرفته‌ترین نیروهای مسلح جهان خواهیم شد»، ۲۹، ۲۳۵۴، ص ۱.

۱۳۹. آبتدگان (روزنامه)، «تسلیم دیگر در فرسنگ نظامی ایران نیست»، ۶-۱، ۱۳۵۱، ص ۱.

سلاحهای غیر متعارف به مسئله تسلیحات اتمی می‌پرداخت. وی در مصاحبه‌ای با روزنامه ایتالیایی ایل جیورناله در دی ماه ۱۳۵۵ش اظهار داشت: «بمب اتمی نمی‌خواهیم بلکه خواهان ارتشی نیرومند هستیم که مغلوب کردن آن فقط با بمب اتمی ممکن باشد».^{۱۲۰} و در سخنانی در ۲۴ اسفند ۱۳۵۵ش تأکید کرد: «ارتش ما باید به مراتب قوی‌تر از یک ارتش اتمی عمل کند».^{۱۲۱}

با این حال دستیابی به نیروی هسته‌ای می‌بایست یکی از دغدغه‌های دولت شاهنشاهی بوده باشد، امری که با توجه به تکاپوهای دولتهای همسایه تشدید می‌شد. شاه در گفت‌وگو با یک روزنامه‌نگار هندی در سال ۱۳۵۳ش، ضمن یادآوری حق برابری تمام ملل برای دسترسی به تکنولوژی نظامی، گفت: «هیچ تفاوتی میان ما و ارتشهای آلمان، انگلستان یا فرانسه وجود ندارد؛ قدرتها باید متناسب باشد».^{۱۲۲} و در مصاحبه‌ای با هیکل، روزنامه‌نگار مصری پس از توصیف برنامه‌های توسعه نظامی ایران به طور صریح عنوان نمود: «ایران همچنین آخرین کشوری نخواهد بود که به سلاحهای اتمی دست خواهد یافت».^{۱۲۳}

ساختار ارتش ایران

ارتش ایران در سه بخش زمینی، هوایی و دریایی شکل گرفت. نیروی زمینی مرکب از ۲۵۵۰۰۰ نفر بود که با چهار لشکر زرهی، چهار لشکر پیاده نظام، چهار تیپ مستقل شامل تیپ پیاده نظام، تیپ زرهی، تیپ هوایرد و تیپ نیروهای ویژه سازماندهی شده بود. در نیروی زمینی ۱۹۱۰ دستگاه تانک خدمت می‌کرد که شامل ۸۰۰ تانک پیشرفته چیفتن، ۴۶۰ تانک M-۶۰، ۴۰۰ تانک M-۴۷ و ۲۵۰ تانک اسکورپیون^{۱۲۴} بود. به علاوه، تجهیزات مدرنی در قسمت ترابری، توپخانه و پدافند هوایی و زمینی شامل ۱۲۰۰ فروند موشکهای ضدهوایی و ضد تانک AAA، ASM-۲ و هاوک قرار داشت. همچنین نیروی زمینی دارای ۹۵۰ فروند پرنده، به ویژه هلیکوپترهای هوانیروز از انواع ۲۵۰ UH-1-OH، VH-1۷ (کبری) و ۴۷ CH (شینوک)^{۱۲۵} بود.

پایگاهها و سازمان آموزش هلی‌کوپتری و هوایی ایران، که در ارتباط با نیروی زمینی

۱۲۰. ه. موجد. دو سال آخر، رفرم تا انقلاب. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳. ص ۱۸.

۱۲۱. همان، ص ۳۰. ۱۲۲. مسائل جهان، «ایران قدرت جهانی»، همان، ص ۳۱.

۱۲۳. هیکل، همان، ص ۱۹۴.

144. Scorpion

145. Pirouz Motahed Zadeh. *Political Geography of Strait of Hormuz*. SOAS, University of London, 1990. p20.



امیرحسین ربیعی فرمانده نیروی هوایی | ۶۰۸۶-۶۵

عمل می‌نمودند، دارای توانمندی زیادی بودند؛ چنانکه مرکز آموزش هوانیروز در اصفهان در زمینی به مساحت سه میلیون مترمربع به همراه ۲۵ دستگاه ساختمان فرعی تأسیس شد و فقط پارکینگ هلی‌کوپتری آن بیش از ۷۰/۰۰۰ مترمربع وسعت داشت.^{۱۴۶} نیروی دریایی در سیاست خارجی و نظامی ایران نقش بسیار مهمی ایفا می‌کرد. براساس نظریات دولت شاهنشاهی، محدوده فعالیت امنیتی ایران از خلیج فارس فراتر بود و بخشهایی از آبهای دریای عمان و اقیانوس هند را نیز شامل می‌شد.

شاه در اوایل دهه ۵۰ش ۷۰م. با اشاره به این دگرگونی، گفت: «من نمی‌گویم ابعاد محدوده‌ای که ما در نظر داریم چند کیلومتر است اما هرکس که با موقعیت جغرافیایی و استراتژیک و، به خصوص توان بالقوه نیروهای هوایی و دریایی ما آشنا باشد می‌داند این محدوده تاچه فاصله‌ای از بندر چابهار امتداد می‌یابد».^{۱۴۷}

شاه برنامه‌های نظامی خود را چنین توجیه می‌نماید: «این تقویت نیروی دریایی|

۱۴۶. رستاخیز، «شاهنشاه در مانور صحرایی ارتش شاهنشاهی»، ۱۳۵۰/۱۰: ۲۵، صص ۱-۲.

۱۴۷. گابریل همبلی، امین سابل و حامد الگار. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت کمبریج. ترجمه عباس مخبر. تهران، طرح نو، ۱۳۷۲، ص ۲۰۹.

یک اقدام ضروری برای حفظ سلامت مرزهای ایران است که خطوط دفاعی آن تا اقیانوس هند ادامه دارد. مرزهای ایران، که اخیراً در جنوب خلیج فارس و دریای عمان تعیین شده است، از ماه نوامبر ۱۹۷۲م تحت رهبری شاهنشاه آریامهر تا اقیانوس هند گسترش یافته است.^{۱۴۸}

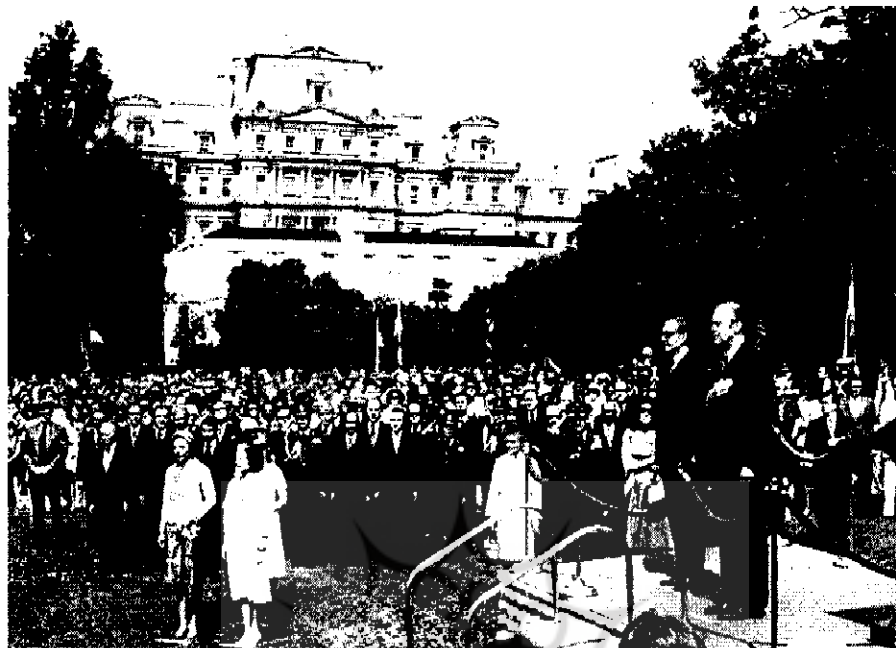
پیرو این سیاست، دولت‌مردان ایران همواره بر خروج تمامی پایگاهها و ناوگان نظامی ابرقدرتها از اقیانوس هند و اداره آن به وسیله کشورهای ساحلی تأکید داشتند.^{۱۴۹} ایران به منظور تقویت هرچه بیشتر نیروهای خود در دریای عمان و اقیانوس هند به تأسیس پایگاه دریایی و هوایی بسیار مجهز در کنارک چابهار با هزینه ۸۰۰ میلیون دلار مبادرت ورزید.^{۱۵۰} پایگاه کنارک، بعد از مرکز دریایی آمریکا در جزیره دیه‌گوگارسیا در اقیانوس هند، از پیشرفته‌ترین و بزرگترین انواع خود در جهان بود.^{۱۵۱}

پرسنل نیروی دریایی بالغ بر ۲۵/۰۰۰ نفر بود و مجموعه‌ای از کشتیهای جنگی پیشرفته چون ناوهای موشک‌انداز آرتمیس^{۱۵۲} با قدرت پرتاب موشک سام، ببر و پلنگ که قادر به حمل موشکهای سام و حمل یک هلیکوپتر بودند، چهار کشتی مجهز به موشکهای SSM، MK۲ و سام، چهار رزمناو و ۲۰ ناوچه گشتی ۹ و ۱۰ تنی، هفت قایق گشتی بزرگ، ۱۲ قایق تهاجم سریع، موشکهای هارپون،^{۱۵۳} کشتیهای مین‌روبی و تدارکاتی، دوازده هواپیمای F-۲۷-۴ و پنجاه هلیکوپتر تهاجم و امدادی دریایی، این نیروی دریایی را بسیار کارآمد می‌ساخت.^{۱۵۴}

مجموعه کامل و گسترده‌ای از کشتیهای آبی خاکی موسوم به هاورکرافت^{۱۵۵} تحت نظارت و هدایت شهریار شفیق از خانواده سلطنتی در نیروی دریایی ایران نقش بسیار مهمی ایفا می‌کرد.^{۱۵۶} نیوزویک طی مقاله‌ای با اشاره به این موضوع می‌نویسد: «شاهنشاه بزرگ‌ترین ناوگان هاورکرافت جهان را برپا ساخته است که توانایی مستقر ساختن یک گردان نظامی را در ظرف ۲۵ دقیقه در ساحل متعلق به اعراب دارد».^{۱۵۷}

پرتال جامع علوم انسانی

۱۴۸. طباطبایی، همان، ص ۱۲.
۱۴۹. آیندگان (روزنامه)، «نظر ایران و کشورهای منطقه درباره اقیانوس هند»، ۱۹/۷/۱۳۵۶، ص ۴.
۱۵۰. لاری و باومن و یان کلارک، همان، ص ۳.
۱۵۱. محمود زند مقدم، «تأمین درباره جزیره قلم»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، س ۷، ش ۹ و ۱۰، خرداد و تیر ۱۳۷۲، ص ۶۵.
152. Artemis
153. Harpoon
154. Mo tahedzadeh. op.cit.p25.
155. Hovercraft
۱۵۶. شهریار شفیق، «هواناو»، مجله ارتش شاهنشاهی، ش ۴، تیر ۱۳۲۹، صص ۱۲-۱۱.
۱۵۷. اطلاعات (روزنامه)، «ایران بزرگ‌ترین ناوگان هاورکرافت دنیا را در خلیج فارس تشکیل داده است»، ۱۳۵۳، ۷، ۲۰، صص ۱ و ۴.



جرالد فورد رئیس جمهور آمریکا در حال خوش آمدگویی به محمدرضا پهلوی در محوطه کاخ سفید | ۱۰۲-۱۱ع

شاه با اشتیاق فراوان شخصاً و با لباس سرفرماندهی نیروی دریایی ایران در مانورهای خلیج فارس و دریای عمان شرکت می‌کرد.^{۱۵۸} وی در یک مصاحبه در سال ۱۳۵۴ش / ۱۹۷۵م اعلام کرد «نیروهای ما، در خلیج فارس اکنون ده برابر شده و بیست برابر نیرویی است که قبلاً بریتانیا در خلیج فارس داشت.»^{۱۵۹} فرمانده نیروی هوایی فرانسه در دیدار خود از ایران، نیروی دریایی دولت شاهنشاهی را در ردیف بزرگ‌ترین ناوگانهای دریایی دانست. بدین ترتیب بودجه نیروی دریایی که در سالهای ۴۷-۱۳۴۲ش، ۶۸-۱۹۶۳م تنها ۵/۵ میلیون دلار بود در سالهای ۵۲-۱۳۴۷ش، ۷۳-۱۹۶۸ به ۵۵ میلیون دلار و بین سالهای ۵۷-۱۳۵۲، ۷۸-۱۹۷۳ به میزان ۱:۲۰۰ میلیون دلار افزایش یافت.^{۱۶۰}

نیروی هوایی در بین دو شاخه نظامی دیگر، بیشترین رشد و توسعه را داشت. نیروی هوایی از توانمندی بیش از ۱۰۰۰/۰۰۰ نفر پرسنل و ۴۶۰ هواپیمای گوناگون بهره‌مند بود

۱۵۸. مجله ارتش شاهنشاهی، تصویر شاه در لباس سرفرماندهی نیروی دریایی ایران، ش ۸، ۱۳۴۹، ص ۹.

۱۵۹. هیکل، همان، ص ۱۷۱. ۱۶۰. باومن و کلازی، همان، ص ۱۲۹.

که شامل ۱۹۰ فروند فانتوم F-۴،^{۱۶۱} ۱۷۰ فروند بمب افکن فانتوم F-۵ و ۷۹ فروند جنگنده بسیار پیشرفته رهگیر F-۱۴A (تامکت)،^{۱۶۲} ۱۳ فروند بوئینگ ۷۰۷،^{۱۶۳} و ۹ فروند بوئینگ ۷۴۷ مخصوص سوخت رسانی هوایی و انواع و اقسام هواپیماهای حمل و نقل C-۱۳۰ و امدادی کوچک و بزرگ، ۱۵۱ فروند هلیکوپتر و موشکهای پیشرفته راپیر،^{۱۶۴} تایگر،^{۱۶۵} فونیکس،^{۱۶۶} سایدویندر،^{۱۶۷} اسپرو،^{۱۶۸} ماوریک،^{۱۶۹} کندر،^{۱۷۰} تام هوک،^{۱۷۱} و غیره می شد.^{۱۷۲}

مجموعه‌ای از شرکتهای آمریکایی از جمله نورثروب،^{۱۷۳} لاکهید،^{۱۷۴} جنرال الکتریک،^{۱۷۵} گرومن،^{۱۷۶} و بل^{۱۷۷} و غیره صنایع نظامی هوایی ایران را تجهیز و نگهداری می نمودند.^{۱۷۸}

شاه در گفت‌وگویی با هیکل، تأکید کرد: «نیروی هوایی ایران باید به قدر کافی قوی باشد تا تمام منطقه را از خلیج فارس تا دریای ژاپن محافظت نماید.»^{۱۷۹} ایران، علاوه بر آمریکا، از فن آوری نظامی سایر کشورها نیز در تجهیز ارتش استفاده می نمود؛ چنانکه شاه در گفت‌وگویی با شبکه N.B.C. آمریکا صریحاً اعلام کرد که اگر ایالات متحده فروش سلاحهای خود را به ایران محدود کند، مطمئناً آن را از کشورهای دیگر جهان تأمین خواهد نمود.^{۱۸۰}

انگلستان، به عنوان یکی از گزینه‌های برتر، در تأمین نیازمندیهای ایران در سال ۱۹۶۷م اقدام به تأسیس شبکه رادار برای دفاع ضد هوایی دولت شاهنشاهی نمود؛ این شبکه مناطق مختلفی از جمله تبریز، رشت و مشهد را زیر پوشش دفاعی خود قرار می داد.^{۱۸۱}

ایران از انگلستان تانکهای پیشرفته چیفتن^{۱۸۲} و سیستمهای موشکی تایگر و راپیر

161. F-4 phantoms	162. F-14A Tomcats Interceptor
163. Boing 707.	164. Rapier.
166. Phoeni	167. Sidewinder
169. Moverick	170. Condor
172. Mo tahed Zadeh.op.cit.p27.	
174. Lackhid	175. General Electric
177. Bell	

۱۷۸. هوشنگ امیراحمدی، «سیاست خارجی منطقه‌ای ایران»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ص ۷، ش ۱۱ و ۱۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۲، ص ۹.

۱۸۰. رستاخیز، «شاهنشاه: ما برای خشنودی کشورهای دیگر اسلحه نمی‌خریم»، ۱۳۵۲:۱۱:۴، ص ۱.

۱۸۱. طباطبایی، همان، ص ۲۹.

۱۸۲. اطلاعات، «قرارداد خرید ۸۰۰ تانک سوپر چیفتن لغو شد»، ۱۳۵۸:۱۱:۱۸، ص ۸.



شهریار شفیق | ۱۴۵-۶۱۲۵

خریداری کرد. شاه هنگام سفر به لندن در تیر ۱۳۵۱ش در پاسخ به سوال خبرنگاران در مورد خریدهای نظامی خود از انگلستان، گفت: «ما سراغ بهترینها می‌رویم، مثلاً چیفتن. ما دو نوع موشک از نوع تایگرکت و سی‌کت را از انگلستان خریده‌ایم و اکنون موشکهای راپیر هدف ماست».^{۱۸۳} فردریک مولی وزیر دفاع انگلستان در سفر خود به ایران در فروردین ۱۳۵۷ اعلام نمود که با همکاری لندن انواع موشکها و تانکهای پیشرفته در ایران ساخته خواهد شد.^{۱۸۴} رادیو B.B.C نیز در اردیبهشت ۱۳۵۷ از مساعدت انگلستان برای تأسیس یک مجتمع بزرگ اسلحه‌سازی در اصفهان خبر داد.^{۱۸۵}

۱۸۳. آبندگان، «متن کامل مصاحبه شاهنشاه با خبرنگاران بین‌المللی در لندن»، ۱۳۵۱، ص ۴.

۱۸۴. رستاخیز، ۱۳۵۷، ص ۲. ۱۸۵. رستاخیز، ۱۳۵۷، ص ۲.

اتحاد شوروی، با وجود پاره‌ای تشهای میان خود و حکومت شاه، فروش جنگ‌افزار به ایران را از سال ۱۹۶۶م آغاز کرد و تا سال ۱۹۷۰م نزدیک به ۳۴۴ میلیون دلار تجهیزات نظامی به ایران فروخت.^{۱۸۶} به تدریج، با صدور انواع جنگ‌افزار از جمله نفربرهای زرهی و موشکهای PC و سام، این تجارت به بیش از ۵۵۰ میلیون دلار افزایش یافت.

اسرائیل در نیمه دهه ۷۰م برای تحویل چند موشک دوربرد زمین به هوا، در مقابل صدور یک میلیارد دلار نفت، قراردادی با ایران منعقد ساخت. همچنین کارشناسان اسرائیل وظایف گوناگونی از جمله تعمیر هواپیما، تهیه وسایل و قطعات الکترونیکی انواع تجهیزات پرنده، سامانه‌های ضد هوایی و ابزار نبردهای چریکی و ضد چریکی را برای ارتش ایران انجام می‌دادند.^{۱۸۷}

در ژوئیه ۱۹۷۷ ارتشید حسن طوفانیان طی سفری به اسرائیل اصرار داشت که ارتش ایران با اسرائیل یک طرح موشکی مشترک برقرار کنند.^{۱۸۸} در همین سفر طوفانیان اعلام داشت که ایران بسیار علاقه‌مند به اتکای متقابل با اسرائیل است.^{۱۸۹}

احداث کارخانه ساخت خمپاره‌انداز اسرائیلی «ساگاد» در ایران و ساخت موشک زمین به زمین با توانایی استقرار کلاهک هسته‌ای از دیگر موضوعات مورد بحث در این سفر بود.^{۱۹۰} در این سالها شش قرارداد نظامی بین دو کشور وجود داشت و اعزاز و ایژمن در این مذاکرات، بحث ساخت هواپیماهای جنگی ایرانی - اسرائیلی را نیز مطرح می‌نماید.^{۱۹۱}

نشریه آمریکایی اخبار آمریکا و مسائل جهان در شماره ۲۲ مارس ۱۹۷۶ در مقاله‌ای با عنوان «در و راه تلاش شاهنشاه در جهت بازگرداندن افتخارات گذشته شاهنشاهی ایران چه چیزی نهفته است؟»، می‌نویسد:

طی چهار سال گذشته، به منظور مدرنیزه کردن نیروهای مسلح ایران، مجموعه بزرگی از سلاحهای مدرن و تازه خریداری شده است. نیروی هوایی ایران سرگرم خرید ۸۰ فروند هواپیماهای اف - ۱۴ است که برجسته‌ترین جنگنده‌های جهان به شمار می‌رود. اکنون ایران تعداد زیادی هواپیمای اف - ۴ و اف - ۵ در اختیار دارد و

۱۸۶. ریچارد هرمن، «نقش ایران در ادراکات و سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی»، ترجمه الهه کولایی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، س ۱، ش ۱۰، تیر ۱۳۷۴، ص ۸۹.

۱۸۷. علی لاهوتی، «ایالات متحده آمریکا و امنیت خلیج فارس»، موشنگ لاهوتی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، س ۱۰، ش ۳ و ۴، آذر و دی ۱۳۷۴، ص ۸۰.

۱۸۸. جیمز بیل، شیرو و عقاب، «روابط بدفرجام ایران و آمریکا»، صص ۵۷۰-۵۷۱.

۱۸۹. اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۹، صص ۵۴ و ۵۶، ۱۹۰. همان، صص ۵۷ و ۶۰.

۱۹۱. همان، ج ۱۹، ص ۷۱.

سفارش خرید چندین هواپیمای حمل و نقل بوئینگ و لاکهید را نیز داده است. ارتش ایران صدها تانک چیفتن انگلیسی و موشکهای راپیر در اختیار دارد. نیروی دریایی ایران از بزرگ‌ترین ناوگان هاورکرافت، قایقهای گشتی و زیردریایی برخوردار است و چندین ناوشکن از نوع اسپروانس را نیز سفارش داده است. طبق مدارک موجود در وزارت دفاع آمریکا، ایران از سال ۱۹۷۲ تا به حال معادل نه میلیارد دلار اسلحه به آمریکا سفارش داده است. سفارشات به انگلیس کمتر از دو میلیارد است. آلمانیها یک کارخانه اسلحه‌سازی را در ایران اداره می‌کنند و شوروی نیز، در مقابل گاز، وسائل حمل و نقل نظامی به ایران می‌دهد. قریب ۱۳۰۰ تن از افراد وزارت دفاع آمریکا در این کشور به سر می‌برند و هزارها آمریکایی غیرنظامی به موجب قرارداد کمپانیهای گرومن و بل در ایران به کار مشغول اند. مقامات ایرانی هیچ نوع تردیدی درباره حسن استفاده از این سلاحها به خود راه نمی‌دهند.^{۱۹۲}

با همه این اوصاف و در واقعتهای جهانی سازمان نظامی قدرتمند ایران به شکل محسوسی با سیاستهای دفاعی که شاه از آن سخن می‌گفت ناموزون نشان می‌داد. این ارتش مجهز برای درگیریهای مرزی و مقابله با تجاوزات احتمالی همسایگان - که تنها خطر عمده واقعی از سوی دولت عراق بود - بسیار عظیم و مؤثر بود. سرکوب شدید چسریکهای ظفار و درهم‌کوبیدن تجاوزات مرزی حکومت بغداد نمونه‌ای از این توانمندی به شمار می‌رفت. اما این تشکیلات برای مقابله با حملات دول ابرقدرت، به خصوص اتحاد شوروی، بسیار ناچیز و ناکارآمد بود. فریدون هویدا با اشاره به این موضوع می‌نویسد:

در سپتامبر سال ۱۹۷۶م، ۱۳۵۵ش، آندره گرومیکو وزیر خارجه وقت شوروی، ضمن ملاقات با وزیر خارجه ایران در نیویورک، با لحن طعنه‌آمیزی به او گفت: «این همه سلاحی که شما در ایران انبار کرده‌اید ما را به فکر انداخته است» و موقعی که وزیر خارجه ایران پاسخ داد: باید بدانید که ما هرگز قدمی علیه همسایه شمالی خود بر نخواهیم داشت، چون به این مسئله واقفیم که نیروی ما هیچ‌گاه به پای شما

۱۹۲. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۸۴۴-۵۰۹-۱۴۵، اداره کل اطلاعات و مطبوعات دربار شاهنشاهی، بخش آرشیو.

برای آشنایی بیشتر با چگونگی تحویل، سیر پیشرفت و نوع تجهیزات نظامی ارتش ایران در دوره پهلوی نگاه کنید به:

- مجله ارتش شاهنشاهی، «بنیان ارتش شاهنشاهی، سراغاز پیشرفت‌های همه جانبه»، اسفند ۱۳۵۵، صص ۸، ۴۷.
- مجله نیروی هوایی شاهنشاهی، «نظری به نیم قرن پیشرفت نیروی هوایی شاهنشاهی»، ش ۳، خرداد ۱۳۵۳، صص ۲۳-۱۲.

نخواهد رسید...». گرومیکو بلافاصله در جوابش گفت: طبعاً، و تعجب ما هم در این است که پس شما این همه اسلحه را برای مقابله با چه کشوری لازم دارید؟ علیه عراق؛ که کشور کوچکی است و به پای شما نمی‌رسد. علیه شیخ‌نشینهای عربی؟ که از نظر نظامی قدرتی ندارند. علیه عربستان سعودی؟ که به هیچ‌وجه نمی‌تواند برای ایران تهدیدآمیز باشد. پس علیه چه کسی؟»^{۱۹۳}

ارتشبد جم رئیس سابق ستاد بزرگ ارتشتاران نیز در گفت‌وگویی با رادیو بی‌بی‌سی، گفت: «ارتش ایران هدف مشخصی نداشت. مشخص نبود که ارتش باید علیه چه تهدیدی بایستد. مهم‌ترین تهدیدات محتمل را باید در نظر گرفت و در مقابل آن ایجاد نیرو کرد. ولی معلوم نبود که ارتش ایران برای مقابله و جنگ با کی است؟ با شوروی؟ با عراق؟ با ترکیه؟ بدون شک می‌توان گفت که ارتش ایران هدف نداشت».^{۱۹۴}

آنتونی پارسونز سفیر انگلستان در تهران در بررسی وضعیت نظامی دولت شاهنشاهی، ارتش ایران را با وجود تمامی پیشرفت‌ها، افسران ایران را فاقد ابتکار عمل و انعطاف‌ناپذیر ارزیابی نموده که برای درگیریهای بزرگ واقعی مناسب نبود.^{۱۹۵} ارتشبد عباس قره‌باغی آخرین رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران نیز ارتش ایران را فاقد تواناییهای لازم برای تشکیل لشکرهای متعدد نظامی می‌داند.^{۱۹۶} تیمسار تقی ریاحی، وزیر دفاع ملی دولت موقت پس از پیروزی انقلاب، با بررسی توسعه کمی و کیفی ارتش ایران در دوره پهلوی، به درستی می‌گوید: «ادعاهای شاه در مورد تشکیل یک ارتش بسیار قدرتمند، رؤیا بود؛ زیرا ارتش ایران با تمام ویژگیها در زمره ارتش کشورهای متوسط جهان بود».^{۱۹۷}

پیامدهای توسعه نظامی در سیاست خارجی ایران

عملکرد تدریجی ایران، در ابعاد مداخلات مستقیم و غیرمستقیم خارجی، امری فراتر از علائق و استراتژیهای امنیتی و سیاست تدافعی بود. پیرو این استراتژی، که دولت شاهنشاهی آن را جزئی از سیاست مستقل ملی و ضروری برای حفظ منافع ایران می‌دانست، میزان دخالت و نقش‌آفرینی در ماوراء مرزهای جغرافیایی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت و تهران در نقش یک نیروی پرتوان اقتصادی و نظامی بر رهبری و

۱۹۳. هويدا، همان، ص ۹۹.

۱۹۴. جمله کدبور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۴۹.

۱۹۵. ویلیام سولیان و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ترجمه محمود طلوعی، تهران، علم، ۱۳۷۵، ص ۲۹۰.

۱۹۶. عباس قره‌باغی، اعترافات ژنرال، تهران، نشر نی، ۱۳۶۸، ص ۹۰.

۱۹۷. اطلاعات، «تغییرات بنیادی ارتش»، ۱۳۵۸/۱، ۱۸، ص ۵.

حاکمیت در جهت‌دهی به سیاست داخلی و خارجی کشورهای دوروزدیک و رفع مشکلات و بحرانهای آنها اصرار ورزید، امری که می‌بایست پیامد کوتاه مدت بهره‌مندی ایران از توسعه مالی و تسلیحاتی در دهه ۴۰ و ۵۰ش / ۶۰ و ۷۰م باشد. ارتش و نظامیگری از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده و جهت‌دهنده در سیاست خارجی ایران بین سالهای ۸۰-۱۹۷۰م بود.^{۱۹۸}

در این محدوده زمانی سابقه و کثرت مداخلات خارجی هیچ‌یک از کشورهای جهان توسعه نیافته به اندازه ایران نبود.^{۱۹۹}

بخشی از نیروهای مسلح ایران از سال ۱۳۵۱ش با هدف سرکوب جبهه آزادیبخش ظفار در عمان که از سوی کشورهای بلوک شرق، به ویژه شوروی پشتیبانی می‌شد، سلسله نبردهای خونینی را آغاز کرد که تا سال ۱۳۵۷ش کمابیش ادامه داشت.^{۲۰۰}

با وجود خروج بخش اعظم نیروهای ایران از عمان تا سال ۱۳۵۶ش، واحدهایی از سربازان ارتش شاهنشاهی در نقاط مختلف ظفار باقی ماندند. به دستور شاه چند فروند ناوشکن نیروی دریایی در بندر صلاله عمان استقرار یافته و امنیت دریایی منطقه را تضمین کردند. چند جنگنده اف-۴ و بمب‌افکن اف-۵ نیز در پایگاه میدوی ظفار استقرار یافتند و عملیات پروازی شناسایی خود را بر فراز یمن جنوبی انجام دادند. نیروی هوایی ایران، علاوه بر مأموریت‌های شناسایی، وظیفه تأمین امنیت و پوشش هوایی آسمان عمان را نیز برعهده داشت. ایران از اواخر بهمن ۱۳۵۳ش با ارسال فانتومهای خود، متعهد به حفظ امنیت فضای عمان شده بود.^{۲۰۱}

در آذر ماه ۱۳۵۵ش یک فروند هواپیمای فانتوم نیروی هوایی ایران در اثر اصابت آتش پدافند برفراز یمن جنوبی سرنگون گردید و خلبان آن به نام علی اشرفیان به وسیله سربازان دولت عدن و چریک‌های عمان دستگیر شد.^{۲۰۲} وقوع این رویداد، روابط تیره میان تهران و یمن جنوبی را به اوج بحران و جنگ تبلیغاتی رساند چنانکه روزنامه لوموند فرانسه از احتمال حمله تلافی‌جویانه ایران خبر داد.^{۲۰۳} کشورهای عرب نیز نگرانیهای

198. Zabih Szwepwhr. *The Iranian Military in Revolution and War*. Routedge, London, 1988.p10.

۱۹۹. هالیدی، همان، ص ۸۵

۲۰۰. محمدجعفر چمنکار، «پهلوی دوم و عملیات در ظفار»، تاریخ معاصر ایران (فصلنامه)، س ۴، ش ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۷۹، صص ۲۴-۲۲.

۲۰۱. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، ۵۵ ۱۳۵۰، جعبه ۱۴، پرونده ۲۰۵، از سفارت ایران در مسقط به وزارت امور خارجه، ۲۶ ۱۱ ۱۳۵۳.

۲۰۲. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، ۵۵ ۱۳۵۰، جعبه ۱۹، پرونده ۳۱۳، از وزارت امور خارجه به سفارت ایران و مسقط، ۲۵ ۹ ۱۳۵۵، ۲۰۳. همان منبع

خود را از این رویداد اعلام کردند.^{۲۰۴}

در اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ش یک هیئت از چریکهای ظفار به سرپرستی محمد احمد غسانی به ایران مسافرت نمود و ضمن آزادی خلبان اسیر، که چندین سال در اسارت بود، با سران ارشد انقلاب دیدار و گفت‌وگو کردند. در این مذاکرات، با محکوم کردن شدید عملیات سرکوب جبهه خلق ظفار، آن را در راستای مداخلات خارجی و بیرون مرزی دولت شاهنشاهی دانستند.^{۲۰۵ و ۲۰۶}

واحدهایی از ارتش ایران در سال ۱۳۵۲ش/۱۹۷۳م به منظور پاکسازی و انهدام چریکهای جدایی طلب بلوچ به ایالت بلوچستان اعزام گردید. این نیروها به استعداد واحدی از کماندوهای گارد شاهنشاهی و دو اسکادران هلیکوپترهای هوانیروز بود و عملیات آنان مدت دو سال به طول انجامید.^{۲۰۷} از دیدگاه ایران جبهه خلق بلوچ که از سوی شوروی و عراق حمایت می‌شد، در تضاد با منافع منطقه‌ای دراز مدت دولت شاهنشاهی بود، امری که پس از کشف مقادیر زیادی اسلحه ارسالی از سوی بغداد در سفارت عراق در کراچی پاکستان در ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۱ش نمود بیشتری یافت.^{۲۰۸}

همچنین ایران در خلال بحرانهای ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱م از پاکستان در برابر دهلی‌نو به صورت صریح و آشکار حمایت نمود. ایران اقدام هند برضد پاکستان را در سال ۱۹۶۵ تجاوز نامید و برای نخستین بار تعدادی از هواپیماهای نظامی خود را در اختیار ارتش پاکستان گذارد.^{۲۰۹} در جنگ ۱۹۷۱م نیز ایران، برای حمایت از اسلام‌آباد، هواپیماهای مسافربری پاکستان را در خاک خود پناه داد^{۲۱۰} و تا مدت‌ها از به رسمیت شناختن بنگلادش خودداری نمود.^{۲۱۱} شاه در دیدار ذوالفقار علی بوتو نخست‌وزیر پاکستان از ایران در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۲/۱۱ مه ۱۹۷۳، با تأکید بر حمایت از اسلام‌آباد، گفت:

یک بار دیگر تکرار می‌کنم که ماهواره در کنار شما خواهیم بود. ما ناگزیریم بگوییم آنچه برای همسایه شرقی ما، پاکستان، روی دهد اهمیت حیاتی بر ایمان دارد و اگر حادثه دیگری برای آن کشور اتفاق بیفتد ما آن را تحمل نخواهیم کرد. دلیل این امر تنها داشتن احساسات برادرانه نسبت به شما به عنوان یک ملت مسلمان نیست، بلکه همچنین به خاطر منافع ایران است که نمی‌توانیم دگرگونیهای دیگری را در پاکستان

۲۰۴. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان ۵۵-۱۲۵۰، جعه ۱۸، پرونده ۳۰۱، از وزارت امور خارجه به سفارت ایران در مسقط، ۱۳۵۵/۹/۱۹.

۲۰۵. اطلاعات، «دیدارهای هیئت جبهه آزادیبخش خلق عمان با مقامات ایرانی»، ۱۳۵۸/۲/۲۳، ص ۳.

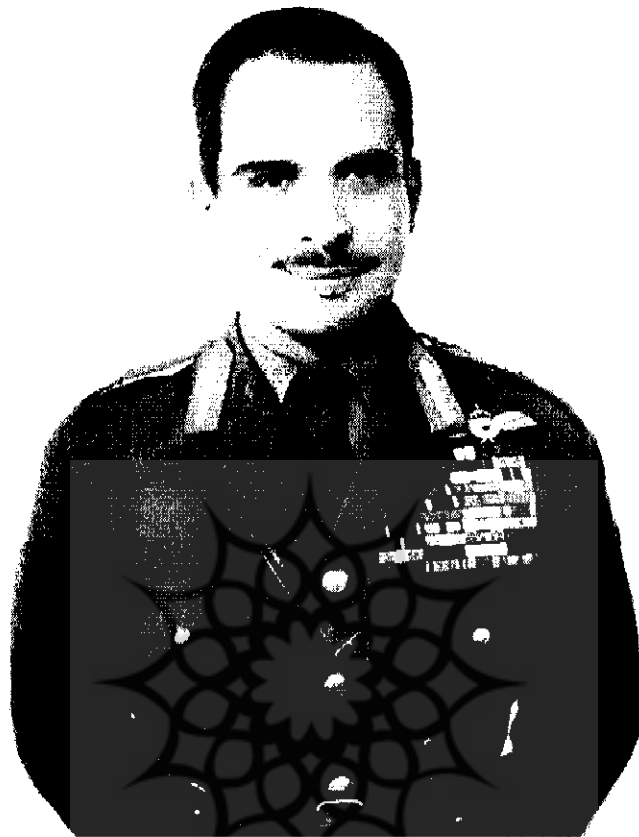
۲۰۶. اطلاعات، «دیدار یک هیئت ظفار از ایران»، ۱۳۵۸/۲/۲۴، ص ۸.

۲۰۷. نگارنده در این باره پژوهش مبسوطی انجام داده است.

۲۰۸. هوشنگ مهدوی، همان، ص ۲۰۲.

۲۰۹. همان، ص ۲۰۱.

۲۱۰. همان، ص ۲۰۱. ۲۱۱. زیبا فرزین‌نیا، بنگلادش، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۲۳۳.



ملک حسین پادشاه اردن | ۱۹۹۲-۱۱ع

تحمیل کنیم. گاه‌آل طبیعی است که چشمان خود را نسبت به هر جنبش جدایی طلب در کشور شما، خدای نکرده، نخواهیم بست.^{۲۱۲}

ایران در طول جنگهای داخلی یمن میان سلطنت طلبان و جمهوریخواهان در طول سالهای ۷۰-۱۹۶۲م، در اشکال ارسال اسلحه و آموزش نظامی از جناح سلطنت طلب متمایل به غرب حمایت نمود چنانکه عده‌ای از جوانان طرفدار این جناح در دبیرستان نظام تهران به تحصیل مشغول بودند.^{۲۱۳} شاه بارها عنوان نمود که کمکهایی به امام‌البدرو دولت صنعا اعطا می‌کند.^{۲۱۴} حمایت ایران از یمن شمالی استراتژی دراز مدت برای

۲۱۲. کرباسچی، همان، ص ۵۲۷. ۲۱۳. داود کریملو، یمن، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ص ۳۰۵.
۲۱۴. اطلاعات، «شاهنشاه» در مورد حلیج فارس یک قدم عقب‌نشینی نمی‌گیرد»، ۱۰۳۰۸، ۱۳۵۴، ص ۲۸.

مهار و انزوای یمن جنوبی در منطقه بود.

پیوندهای نزدیک میان ایران و اردن هاشمی نیز مظاهری از تأثیرات امور نظامی در سیاست خارجی تهران را نشان می‌داد. اردن تنها کشور عرب بود که به صورت واقعی با اعزام واحدهایی به یاری ایران در نبرد عمان اقدام کرد. دولت ملک حسین، در دو نوبت، ۲۱ فروند هواپیمای نظامی قدیمی هاوکوهانتر خود را در حمایت از سلطان قابوس به عمان اعزام نمود.^{۲۱۵} جنگنده‌های پیشرفته فانتوم ایران نیز، در مقابل، برای پشتیبانی از حکومت ملک حسین به اردن رهسپار شدند.^{۲۱۶} شاه در دیدار خود از اردن در دی ماه ۱۳۵۳ تأکید نمود: «ایران از هیچ کمکی به اردن دریغ نخواهد کرد».^{۲۱۷}

ایران در اشکال غیرمستقیم با اعزام هواپیماهای فانتوم و چندین تن از افسران خود به حمایت از وان‌تیو^{۲۱۸} ریاست جمهوری ویتنام جنوبی پرداخت. در حالی که بسیاری از کشورهای پیشرفته و قدرتمند مانند کانادا از عضویت در هیئت نظارت بر تحولات جنگ ویتنام، که به وسیله آمریکا تشکیل شده بود، خودداری نمودند ایران تحت فشار دولت واشنگتن با پذیرش این مسئولیت واحدهایی از افسران و کارمندان و تجهیزات نظامی خود را به سایگون اعزام کرد.^{۲۱۹}

ایران از ملامصطفی بارزانی رهبر حزب دمکرات کردستان در نبرد با رژیم عراق حمایت فراوان نمود چنانکه شاه در اوت ۱۹۷۱م از واشنگتن خواست که با هدف تضعیف بغداد کمکهای خود را به این گروه افزایش دهد؛ آمریکا نیز بودجه‌ای به میزان ۱۶ میلیون دلار به این منظور اختصاص داد.^{۲۲۰} به نوشته هالیدی مقادیری جنگ‌افزار ساخت شوروی که در جنگ با اعراب به غنیمت اسرائیل در آمده بود به ایران فروخته شد تا به کردها تحویل داده شود.^{۲۲۱}

در سال ۱۳۵۴ش دو گردان از نیروهای زمینی ارتش ایران همراه با سربازان پاسدار صلح سازمان ملل به منظور استقرار در بلندیهای جولان در حد فاصل نیروهای سوریه و

۲۱۵. کیهان، «دیدار قابوس از اردن»، ۱۳۵۳/۱۲/۱۹، ص ۴.

۲۱۶. محمد فرد سعیدی و شهرام چوبین، تحولات سیاسی اخیر در خاورمیانه و سیاست خارجی ایران، تهران، موسسه پژوهشهای سیاسی و اقتصادی بین‌الملل، ۱۳۵۴، ص ۶۵.

۲۱۷. کیهان، «شاهنشاه از کمک به اردن دریغ نخواهیم کرد»، ۱۳۵۳/۱۰/۱۷، ص ۳.

218. Wantiew

219. Rouhollah K.Ramazani, *Irans Foreign Policy, 1941-1973*. Charlottesville, University Press of Virginia, 1975. p341.

برای اطلاعات بیشتر در این مورد نگاه کنید به:

کامبیز کیهانی، «پاسداران صلح ویتنام»، مجله ارتش شاهنشاهی، ۸ آبان ۱۳۵۴، ص ۹.

۲۲۰. هرمن، همان، صص ۹۰-۸۹، ۲۲۱. هالیدی، همان، ص ۲۵۹.

اسرائیل به آن منطقه اعزام شدند.^{۲۲۲}

ایران، جدای از آسیا، در قاره سیاه به ویژه شاخ آفریقا، نیز تحرکات برون مرزی متعددی داشت. این منطقه صحنه ظهور و پیدایش دولتها و جنبشهای سوسیالیستی ملهم از نمونه کوبا موسوم به آفرومارکسیسم بود.^{۲۲۳}

دولت شاهنشاهی در نبرد میان سومالی و اتیوپی بر سر منطقه اوگادن که نهایتاً با پیروزی اتیوپی به پایان رسید از محمد زیادبازه رئیس جمهور سومالی، که از سوی کشورهای غربی و امریکا پشتیبانی می شد، حمایت کرد. دخالت تهران در این بحران نمونه دیگری از جبهه‌گیریهای ایران در برابر توسعه جریانهای متصل به شوروی بود. منگستو هایله ماریام حاکم اتیوپی با کشورهای سوسیالیستی روابط بسیار نزدیکی داشت و از شوروی انواع جنگ‌افزارهای پیشرفته از جمله تانکهای T-۵۴ و T-۵۵، توپخانه سنگین، موشک‌اندازهای اورگون و جنگنده‌های میگ ۲۴ دریافت کرده بود. دهه‌ها تن از مستشاران روسی و کوبائی نیز در آدیس‌آبابا به سر می‌بردند.^{۲۲۴} جهت‌گیریهای ایران در حمایت از موگادیشو، لغو قراردادهای پیشین سومالی با شوروی و نزدیکی هرچه بیشتر آن با اروپا و امریکا را در پی داشت.^{۲۲۵}

دولت زئیر نیز در مبارزه با شورشیان چپگرای ایالت شابا از حمایتهای اقتصادی و نظامی ایران بهره‌مند گردید.^{۲۲۶} روابط سیاسی میان ایران و زئیر از ۱۱/۱۱/۱۳۵۱ ش/۱۱ فوریه ۱۹۷۳م آغاز شد و به تدریج استحکام یافت.^{۲۲۷} چنانکه موبوتوسه‌سکو حاکم زئیر در اسفند ماه ۱۳۵۲ به ایران مسافرت نمود و طی یک اقامت ده روزه با شاه و سران ارشد دولت پهلوی دیدار و گفت‌وگو کرد.^{۲۲۸}

ایران از ملک‌حسن دوم پادشاه مراکش در نبرد با چریکهای پولیساریو که برای آزادی صحرای غربی مبارزه می‌کردند پشتیبانی و حمایت نمود. جبهه پولیساریو از سوی

۲۲۲. مجله نیروی زمینی شاهنشاهی، «تفنگداران ایران در ارتفاعات جولان»، ش ۳۷، خرداد ۱۳۵۴، ص ۲-۹۱.

۲۲۳. کارتر و فیندلی و م جان رانسی. جهان در قرن بیستم. ترجمه بهرام معلمی. تهران، ققنوس، ۱۳۷۹. ص ۴۴۱.

۲۲۴. رضا ابهری و محمد المومنی. اتیوپی. تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴. ص ۸۱.

225. Aryehoy.yodfat. *The Soviet Union and Revolutionary Iran*. Croom Helm Ltd, London, 1984. p. 38.

226. Peter Arery and others. *The Cambridge History of Iran From Nadir Shah to the Islamic Republic*. vol. 7. 1991. p. 455.

۲۲۷. مصطفی برکت. زئیر. تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵. ص ۱۱۷.

۲۲۸. اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه. نشریه اخبار و اسناد. تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۵۲. ص

شوروی و لیبی و الجزایر کمکهای اقتصادی و نظامی متعددی دریافت می‌کرد^{۲۲۹} چنانکه موشکهای ضدتانک ساخت چین و سام روسی به وسیله این دولتها در اختیار جبهه قرار گرفت.^{۲۳۰} دولتهای غربی و برخی از کشورهای خاورمیانه نیز از حکومت مراکش حمایت می‌کردند. آمریکا کمکهای مستقیم اقتصادی خود به این کشور را از سه میلیون دلار در سال ۱۹۷۴م به ۱۴ میلیون دلار در ۱۹۷۵ و ۳۰ میلیون در ۱۹۷۶م افزایش داد. صادرات تجهیزات نظامی نیز از میزان ۸/۶ میلیون دلار در سال ۱۹۷۴ به ۲۹۴/۹ میلیون دلار در ۱۹۷۵م گسترش یافت.^{۲۳۱}

علاوه بر آمریکا، فرانسه نیز با فروش سلاحهای پیشرفته - از جمله انواع رادار، هلیکوپترهای جنگی، زره‌پوشهای AM و ۷۵ جنگنده میراژ F-1 - در مبارزه با چریکهای پولیساریو نقش مهمی ایفا می‌کرد.^{۲۳۲}

در فروردین ماه ۱۳۵۸ یک هیئت از جبهه آزادیبخش پولیساریو با سران ارشد انقلاب اسلامی دیدار و گفت‌وگو نمودند. به گفته السیداتی، نماینده جبهه، دولت شاه با ارسال تجهیزات گوناگون نظامی، از جمله انواع جیب جنگی و خمپاره‌انداز، بیش از ۸۰٪ نیازمندیهای مراکش را برآورده می‌ساخته است. السیداتی ضمن حمله شدید به نقش ایران در ماجرای صحرای غربی ادعا نمود براساس اسناد و مدارک، عکس و اعترافات خلبانان اسیر، نظامیان مراکشی، به ویژه خلبانان، در ایران آموزش می‌دیدند و با بمبهای فسفاتنی آتشی اهدایی ایران، چریکهای پولیساریو سرکوب می‌شدند.^{۲۳۳} اریک فیشتلیوس خبرنگار سوئدی با بازدید از پایگاه قیفاریتی پولیساریو، که در ۱۵ ژانویه ۱۹۷۶ به وسیله این نوع بمبها به شدت ویران شده بود، این موضوع را تأیید کرده است.^{۲۳۴} سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی با تأثیرپذیری از تحولات نظامی، مورد ارزیابیهای متعدد موافقان و طیف وسیعی از منتقدان قرار گرفته است. این دیدگاهها، که براساس نوع منافع و ایدئولوژی سیاسی افراد در مقاطع زمانی مختلف صورت پذیرفته است، قابل تعمق می‌باشد.

ریچارد نیکسن، در تقدیر از سیاستهای فرامرزی ایران، می‌گوید:

شاه خلاء قدرت را پر کرد، با تصرف جزایر سه‌گانه حافظ امنیت تنگه هرمز شد،

۲۲۹. بل بالنا، مغرب بزرگ از استقلال تا سال ۲۰۰۰م. عباس آگاهی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۸.

۲۳۰. اریک فیشتلیوس، جبهه پولیساریو، مجید نوحی، تهران، ۱۳۵۹، ص ۹۹.

۲۳۱. همان، ص ۵۲. ۲۳۲. همان.

۲۳۳. اطلاعات، «شاه با بمب فسفات آزادیخواهان صحرا را سرکوب می‌کند»، ۱۳۵۸، ۱۰، ص ۴.

۲۳۴. فیشتلیوس، همان، ص ۹۱.

ظفار را درهم کوبید، با ساختن پایگاه دریایی چابهار در امنیت تنگه هرمز کوشید. با شناسایی اسرائیل در تحریمهای نفتی ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ م اعراب شرکت نکرد. نفت لازم ناوگان مدیترانه را تأمین کرد و با انتقال نیروها و پشتیبانی پنهانی از اکراد مانع از شرکت عراق در نبرد ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل شد. سوخت ناوگان ما را در اقیانوس هند تأمین کرد و هواپیماهای فانتوم اف - ۵ را به حمایت ویتنام جنوبی فرستاد.^{۲۳۵} ... شاه از با استعدادترین زمامداران خاورمیانه و بهترین سیاست‌پیشه بود. او زمامدار لایقی بود. شاه متحد کلیدی آمریکا در خاورمیانه و عامل ثبات در منطقه جغرافیایی از مدیترانه تا افغانستان گردید.^{۲۳۶}

هنری کیسینجر نیز اظهار می‌دارد:

کمک شاه به ویتنام جنوبی در زمان انعقاد قرارداد پاریس در سال ۱۹۷۳ م، کمک به اروپای غربی در دوران بحران اقتصادی دهه ۱۹۷۰، حمایت از میانه‌روهای آفریقا علیه تهاجم مشترک شوروی و کوبا و پشتیبانی از سادات در مصر بسیار چشمگیر بود. شاه نیرو و انرژی همسایگان عرب را در تحلیل می‌برد تا نگذارد آنها رژیمهای میانه‌رو عربستان، اردن و خلیج فارس را مورد حمله قرار دهند.^{۲۳۷}

حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری وقت ایران نیز در یک تفسیر دیگر در این باره می‌گوید:

آنچه عملاً کشورهای توسعه‌طلب جهان در منطقه خلیج فارس انتخاب کرده بودند ایجاد نوعی ژاندارمی و مسلط کردن یک قدرت به عنوان ژاندارم در اداره این منطقه بوده است، یک حکومت نیرومند و وابسته مانند رژیم پهلوی. در منطقه غیر از ایران قدرتی نیست که بتواند نقش ژاندارمی را برایشان ایفا کند. کشوری که سواحل شمالی خلیج فارس را سر تا سر دارد و در مدخل خلیج فارس حضور جدی دارد. آنها این ژاندارم را به درستی در خانواده پهلوی یافتند.^{۲۳۸}

یاسر عرفات، رهبر فلسطینی، سیاست خارجی دولت شاهنشاهی را بدین‌گونه تجزیه و تحلیل می‌کند:

۲۳۵. نیکسن. همان. صص ۱۲۷-۸
 ۲۳۶. ریچارد نیکسن. رهبران، کسانی که دنیا را تغییر داده‌اند. ترجمه کاظم عمادی. تهران. عطائی، ۱۳۶۳. صص ۱۱-۴۰۹
 ۲۳۷. اطلاعات، ۱۱ ۱۱ ۱۳۵۹. ص ۳
 ۲۳۸. مجله سیاست خارجی، متن کامل سخنرانی حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس بین‌المللی خلیج فارس (۲۹) بان تا اول آذرماه (۱۳۶۸). دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۳. ش ۲. مهر و آذر ۱۳۶۸. ص ۳۹۵.

شاه سابق مأمور بود با کنترل عراق و عربستان ژاندارم آمریکا در منطقه باشد. آمریکا و اسرائیل نقش مهمی را به شاه واگذار کرده بودند. شاه به عنوان پلیس انجام وظیفه می‌کرد. ایران، مصر و اسرائیل حلقه محاصره را بر فلسطین و سوریه تنگ می‌کردند و به نفع آمریکا، عراق، عربستان و کشورهای ساکن در خلیج فارس کنترل می‌گردید: ارتش عراقی نیز زیر کنترل ایران در می‌آمد.^{۲۳۹}

ولادیمیر ولاسف دبیر اول سفارت شوروی در تهران در این مورد اظهار می‌دارد: «ایران قطعاً نقش اسب تروا را برای آمریکا بازی خواهد کرد که در شکم آن به جای سرباز، اسلحه جهت توزیع به دیگر دولتهای منطقه است. نیکسن این عمل را تشویق می‌کند».^{۲۴۰}

نگاهی گذرا بر اقدامات نظامی و بلندپروازیهای شاه در این زمینه آشکار می‌سازد که در جهان دو قطبی آن روز، ایران با ورود در بلوک غرب تمامی امکانات خود را در جهت تأمین منافع دول غربی به ویژه آمریکا به کار گرفت و به ابزار آنان در کنترل منطقه تبدیل شد. اتخاذ این سیاست در عرصه خارجی به تضعیف جنبشهای ضد غربی و در عرصه داخلی به فروپاشی اقتصادی و دیکتاتوری سیاسی رژیم پهلوی منجر شد که همه چیز را در سایه سیاستهای میلیتاریستی دیکته شده از سوی متحدان غربی تفسیر و تحلیل می‌کرد.

بدین‌گونه، با توسعه ساختار ارتش، گرایشهای نظامی‌گری در سیاست خارجی ایران نمود بیشتری یافت، امری که به اعتقاد سیاستمداران دولت شاهنشاهی اهرمی مؤثر در پیشبرد سیاست خارجی، گسترش نقش بین‌المللی ایران و نیل به اهداف و منافع مورد نظر بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۳۹. اطلاعات، «عرفات در مصاحبه با انیپگل آلمان»، ۱۳۵۸/۱/۱۴، ص ۵.

۲۴۰. استاد لانه جاسوسی، «شوروی شرق، تجاوزگر»، ج ۴۷، بخش ۱، ص ۶۷.